

زندگی بهائی

(حیات عائله)

گرد آوری دائره تحقيق بيت العدل اعظم

زندگی بهائی

مجموعه ای از مستخرجات اشعار مبارکه ی بهائی

و توفیعات مبارکه حضرت ولی امرالله و

دستخط های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دائره تحقیق

بیت العدل اعظم

مارس ۲۰۰۸

موسسه ی انتشارات بهائی

دهلی نو، هند

محفل روحانی ملی بھائیان ہندوستان

حق چاپ محفوظ

نشر اول : ۱۹۸۲

چاپ مجدد: ۱۹۹۰، ۱۹۹۶

تجدید نظر: ۲۰۰۱

چاپ مجدد: ۲۰۰۴

تجدید نظر مجدد: ژوئیہ ۲۰۰۸

شایک : ۸-۶۶-۸۵۰۹۱-۸۱

موسسہ ی انتشارات بھائی

(ف- ۳/۶، منطقہ ی صنعتی اوخ لا، فاز ۱، دہلی نو - ۱۱۰۰۲۰)

ہندوستان

چاپ: افست سامرات، با مسئولیت محدود

دہلی نو - ۲۰

۳۰ مارس ۲۰۰۸

محافل روحانیه ملّیه

احبابی عزیز،

به امر میرم بیت العدل اعظم نسخه ای از مجموعه جدید تحت عنوان "حیات عائله"^۱ ارسال می گردد که اخیراً توسط دائره ی تحقیق مستقر در مرکز جهانی بهائی به اراده ی سنّیه آن معهد نورا، تهیه شده است.

این سند باید جایگزین مجموعه ای شود که طیّ نامه ای به تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۲ با همین عنوان ارسال شده بود؛ این مجموعه شامل مستخرجاتی علاوه بر آثار مقدسه و تواقیع مبارکه حضرت ولی امرالله و تشریح جنبه های گوناگون حیات عائله بهائی است که بیت العدل اعظم طی بیست و شش سال گذشته مورد عنایت قرار داده اند.

امید و طید بیت العدل اعظم آن است که مطالعه دقیق محتوای این مجموعه توسط فرد فرد اعضای عائله بهائی سبب تنویر افکار و قوت احساسات عالیّه آن ها در مجهودات شان در جهت انجام وظیفه اساسی پیشبرد جریان دخول افواج مقبلین به امر حضرت رحمان در این مرحله حساس درمهام امور بشریت باشد.

با تحیات ابدع ابهی

دارلائشاء

بیت العدل اعظم

ملاحظه نمائید وقتی وحدت و اتحاد در خانواده ای وجود دارد امور آن به سهولت تمام انجام می گیرد، اعضای آن در ترقی و تعالی اند و در نهایت سرور ایام می گذرانند، کارهایشان منظم است، از آسایش و آرامش برخوردارند، در کمال اطمینانند، قدر و مقام هر کس معین است، همه آرزوی چنین خانواده ای را دارند. چنین خانواده ای در جمیع احوال شأن و مقام بالاتری می یابد.

حضرت عبدالبهاء

(ترجمه)

فهرست مندرجات

۱. حفظ پیوند بین شوهر و زن
۲. روابط و مسئولیت های والدین و فرزندان
۳. بهبود حیات عائله

حفظ پیوند بین زن و شوهر

مستخرجاتی از آثار حضرت بهاءالله

و وقتی اراده فرمود عطوفت و رحمت اش را بر انسان مبذول دارد و جهان را به نظم آورد، حدود و احکامی را نازل فرمود؛ از جمله حکم ازدواج که حصنی است حصین برای فلاح و نجات نفوس انسانی و از سماء قدس در کتاب اقدس اش نازل گردیده.

(ترجمه)

ادعیه بهائی: منتخبات ادعیه مبارکه نازل از کلک اطهر حضرت بهاءالله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء (ویلمت، موسسه انتشارات بهائی، سال ۲۰۰۲)، صفحه ۱۱۸ [1]

تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یذکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتخذوه او معیناً

کتاب مستطاب اقدس

آیه ۶۳ [2]

همه باید بدانند و اطمینان یابند و نورانیت ضمیر یابند که رجال و نساء نزد حق مساوی بوده و هستند، نور الهی بر همگان یکسان می تابد. خداوند زنان را برای مردان آفریده و مردان را برای زنان. محبوب ترین نفوس در پیشگاه خداوند مستقیم ترین آنانند که در محبت حق جل جلاله از دیگران سبقت جسته اند.

(ترجمه)

از الواح مبارکه ترجمه شده از عربی به فارسی [3]

رأس الهمّة هو انفاق المرء على نفسه و على و هله و الفقراء من اخوته في دینه

لوح اصل كل الخير

مستخرجاتی از آثار و بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

در این امر اقتران، اتفاق تام و رضایت کامل بین طرفین است. باید نهایت دقت مجری شود و از اخلاق یکدیگر مطلع باشند و عهد متین محکم ما بین هر دو باید ارتباطش ابدی باشد و مقصودشان باید الفت و دوستی و اتحاد حیات دائمی گردد. بین بهائیان مسئله ازدواج این است که مرد و زن باید روحاً و جسماً متحد باشند تا در جمیع عوالم اتحادشان ابدی باشد.

هدیه ازدواج موسسه ملی
مطبوعات امری ۱۲۵ بدیع [5]

در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانی است و این اتحاد اتفاق موقت است، زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محتوم است، ولیکن ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد، زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب یک طلعت بی مثال، زنده به یک روحند و روشن از یک انوار، این روابط روحانیه است و اتحاد ابدی است، و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم و متین دارند. ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیث روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است، لهذا ابدی است. اما اگر اتحاد مجرد از حیث جسم باشد، البته آن موقت است و عاقبت مفارقت محقق. پس باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی داشته باشند تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت حاصل گردد، زیرا این وحدت حقیقی جلوه ای از نور محبت الله است.

هدیه ازدواج موسسه ملی
مطبوعات امری ۱۲۵ بدیع [6]

ای دو مؤمن بالله! خداوند بی مانند زن و مرد آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند. زن و مرد دو رفیق انیس هستند که باید در غم یکدیگر شریک باشند. چون چنین باشد در نهایت خوشی و آسایش دل و جان در این جهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند و آلا در غایت تلخی عمر بسر برند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند. پس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش دل و جان نمائید. این است خوشبختی در دو جهان.

هدیه از دواج موسسه ملی مطبوعات
امری ۱۲۵ بدیع ص ۱۳ [7]

باری اساس ملکوت الهی الفت و محبت است، اتحاد است نه اختلاف، علی الخصوص بین زوج و زوجه. اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد البته در مشقات عظیمه افتد و به وبال عظیمی گرفتار گردد و بی نهایت نادم و پشیمان شود.

هدیه از دواج موسسه ملی مطبوعات
امری ۱۲۵ بدیع ص ۱۴ [8]

تأسیس عائله خیلی مهم است. تا انسان جوان است از غرور جوانی ملتفت نمی شود ولی چون پیر شد خیلی افسوس می خورد... در این امر حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد، روحانیت و سرور باشد، اتحاد و اتفاق باشد... موافقت جسمانی و عقلانی باشد، خانه منظم و مرتب باشد، افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت و ستاره های روشن سماء باشد، چون دو مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسریند، همیشه پر فرح و سرور باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند، برای دیگران سرمشق باشند، برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند، اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتها آن عائله گردد.

هدیه از دواج موسسه ملی مطبوعات
امری ۱۲۵ بدیع ص ۱۲ [9]

در ازدواج هر چه نسبت خویشاوندی دورتر باشد بهتر است، چون که چنین فاصله ای در نسبت خانوادگی بین زن و شوهر، مبنای خیر و سعادت نوع بشر، و حشر و نشر بیشتر بین اقوام و ملل خواهد بود.

(ترجمه)
از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [10]

حکمت خداوند اقتضا می کند که زوج و زوجه از لحاظ خویشاوندی هر چه دورتر از هم باشند، یعنی هر چه نسبت زن و شوهر دورتر باشد اولادشان قوی تر، شکل تر و سالم تر خواهند بود.

(ترجمه)
از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [11]

یقیناً، همه باید در این عصر به محبت، وحدت و مهربانی، کمال، دوستی، الفت و عبادت حق توجه کنیم. امید آن است که تو و قرین محترمت در کمال روح و ریحان به خدمات خویش ادامه دهید و چون شمع روشن شوید و از افق ابدی چون دو نجم درّی بدرخشید.

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [12]

امّا قرینک الکریم ان تعاملیه احسن معامله و تواظی علی رضائه والمداراة معه فی کل الاحوال حتّی یری بانک بتوجهک الی ملکوت الله زادت رأفتک معه و محبتک لله و مراعاتک لرضائه فی کلّ حال. و انّی اتضرّع الی الله ان يجعلک مستقیمة علی حبّ الله و ناشرة لنفحات القدس فی تلك البقاع

منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء
شماره: ۹۱ [13]

ای کنیز الهی نامه ات رسید. قرین محترم شما علاقمند به تکمیل تحصیلات خود است و تو مشتاق مهاجرت به آفریقا هستی، حال باید با هم مشورت نمائید، در نهایت محبت گفت و گو کنید، به تصمیمی درست برسید، و کاملاً متحد باشید، چون زن و شوهر باید یکی باشند، تا در جمیع امور توفیق یابند.

(ترجمه)

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [14]

پرسیده اید آیا شوهر می تواند زنش را از اقبال به امر الهی باز دارد، یا زن می تواند شوهرش را از دخول به ملکوت الله مانع شود. درحقیقت هیچ یک از آن ها نمی تواند دیگری را از ورود به ملکوت الهی باز دارد، مگر این که شوهر بیش از حد به زن وابسته باشد یا زن به شوهر. در واقع وقتی هر یک از دو دیگری را بپرستد و خدا را از نظر دور دارد، آن وقت هر کدام از آن ها می تواند دیگری را از دخول به ملکوت الله باز دارد.

(ترجمه)

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [15]

مستخرجاتی از توافیق مبارکه حضرت ولی امرالله

باعث تأسف و تحسّر است که زنان و شوهران... در جمیع احوال در توافق کامل نیستند. در تمام این موارد، معتقدم که سرکار آقا نهایت مهربانی و ملاحظت را از احبائی انتظار داشتند که شوهران شان با فعالیت ایشان در تشکیلات بهائی موافق نبوده اند، از لحاظ انورشان توافق آنان را می بایست با محبت ایجاد کرد نه با بحث و جدل، اما باعث تأسف است اگر اعتراض شوهر برای خدمت زن به امر مبارک باشد، که البته وظایف عادی او در خانواده جای خود را دارد.

(ترجمه)
توقیع مبارک مورخ ۲۰ مارس
۱۹۸۲ خطاب به یکی از احباء [16]

وقتی چنین تفاوتی در عقیده و اعتقاد بین زن و شوهر پیش می آید بسیار باعث تأسف است چون که بی شک از پیوند روحانی دور می شود؛ که حصن حصین پیوند اجتماعی، به خصوص در اوقات بروز مشکلات است اما راه علاج عمل به طریقی نیست که طرف دیگر را بیگانه سازد. یکی از مقاصد امرالله درحقیقت ایجاد پیوند نزدیک تر در خانواده هاست. بنابراین در تمام این موارد، سرکار آقا انقیاد به خواست طرف دیگر و دعاست. دعا کنید که شاید شوهرتان به تدریج حقایق را دریابد و درعین حال طوری عمل کنید که او را به امر مبارک نزدیک تر سازید نه این که باعث تعصّب او شوید. وقتی توافق حاصل شد می توانید به خدمات تان ادامه دهید.

از توافیق مبارکه مورخ ژوئیه ۱۹۸۲
خطاب به یکی از افراد احباء [17]

حضرت ولی امرالله اطمینان دارند... قرینه شما می توانند دقت بیشتری را به خانواده خود اختصاص دهند، درعین حال امید دارند که شما هم بتوانید به ایشان کمک کنید که وقت و فرصت کافی برای خدمت به امر مبارک را داشته باشند خدماتی که برای او بسیار عزیز است و به جان و دلش بستگی دارد مخصوصاً که خدماتش بسیار مورد تقدیر است.

از توقیع حضرت ولی امرالله مورخ
۱۹ ژوئن ۱۹۳۱ خطاب به یکی از احباء [18]

در مورد سؤال شما راجع به ماهیت و خصوصیت ازدواج بهائی : همان گونه که به درستی گفته اید، چنین ازدواجی مشروط به توافق کامل والدین طرفین است. همچنین نظر شما در این که اصل وحدت بشر بهائی حقیقی را از تلقی نژاد به عنوان مانع پیوند ازدواج منع می کند، تطابق کامل با تعالیم بهائی مورد دارد. حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هیچ گاه ازدواج بین نژادها را منع و رد نفرمودند. در حقیقت تعالیم بهائی بنا به ماهیت خود از حدود تحمیل توسط نژاد فراتر می رود و نمی تواند و نباید هرگز با هیچ کدام از مکاتب خاص فلسفه نژادی مشابه تلقی شود.

از توابع مبارکه حضرت ولی امرالله مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۲۵
خطاب به یکی از محافل وحانی ملی [19]

بنابراین معیارهای اخلاق جنسی بهائی بالاست اما به هیچ وجه به نحوی نامعقول خشک و جامد نیست در حالی که روابط عشقی آزاد محکوم است. اما ازدواج عملی مقدس به حساب می آید که همه باید به انجام آن تشویق شوند، البته اجباری در این مورد نیست. غریزه جنسی مثل تمام غرائز انسانی لزوماً شرّ نیست. بلکه قدرتی است که در صورت هدایت درست آن می تواند موجب شادی و رضایت فرد شود. اما در صورتی که از این قدرت سوء استفاده شود سبب آسیب بسیار برای فرد و برای کل جامعه می شود. در حالی که بهائیان انزوا و گوشه گیری و تمام اشکال افراطی ریاضت را محکوم می کنند؛ در عین حال نظریه های کنونی اخلاق جنسی را که جز به تخریب جامعه و انسانی نمی انجامد، تأیید نمی نمایند.

از توقیع مبارکه حضرت ولی امرالله مورخ ماه
می ۱۹۳۵ خطاب به یکی از احباء [20]

چون که حضرت بهاءالله به صراحت در کتاب احکام فرموده اند که مقصود از ازدواج ظهور فرزندان است که توانائی معرفت خداوند را داشته به حدود و احکام الهی عمل کنند. بنابراین ازدواج مطابق تعالیم بهائی اساساً یک عمل اجتماعی و اخلاقی است. ازدواج مقصدی دارد که ورای نیازهای آنی شخص و علائق والدین است.

از توقیع مبارکه حضرت ولی امرالله
مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۵ خطاب به یکی از احباء [21]

در مورد نظر شوهرتان راجع به امر مبارک: هر چند هم ناموافق باشد، همیشه باید امیدوار باشید که، با همنائی و مهربانی، و با کوشش خردمندانه، هوشیاری و شکیبائی بتوانید به تدریج سبب همدلی او با امر مبارک شوید. تحت هیچ شرایطی نباید بکوشید اعتقادات خود را بر او تحمیل کنید یا دیکته نمائید.

در عین حال نباید بگذارید مخالفت های او نسبت به امر مبارک مانع فعالیت های تبلیغی شما شود... شما باید با شکیبائی، هوشیاری و با این اطمینان عمل کنید که کوشش های شما در ظل هدایت و تأییدات حضرت بهاءالله است.

از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله
مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۳ خطاب به یکی از افراد احباء [22]

اما در عین این که حضرت ولی امرالله کاملاً موافق آرزوی شما در وقف همه زندگی تان در خدمت به امر مبارک هستند، لازم می دانند نظر شما را متوجه این واقعیت نمایند، در صورتی که ازدواج کنید وظیفه شما به عنوان یک زن بهائی این است که از تکالیف خانگی غفلت نکنید و این بخشی حیاتی و اساسی از کار شما را به عنوان یک بهائی تشکیل می دهد. ملاحظات خانوادگی البته باید تابع علائق جمعی و منفعت امر مبارک باشد اما البته باید حق آن ادا شود، تا یک زندگی عادی، متعادل و سازنده برای فرد بهائی ادامه یابد تکالیف خاص یک فرد بهائی اهمیت برابری ندارند، اما لزوماً به معنای عدم توافق این تکالیف باهم نیست

از توفیق مبارکه حضرت ولی امرالله
مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۳ خطاب به یکی از احباء [23]

تصور بهائی از امور جنسی به طور خلاصه بر مبنای این اعتقاد است که عفت و عصمت باید توسط هر دو جنس در نهایت قوت و حدت رعایت شود، نه فقط به این دلیل که از لحاظ اخلاقی درست است بلکه تنها راه زندگی خانوادگی کاملاً شاد و موفق است. روابط جنسی به هر شکل خارج از محدوده ازدواج مجاز نیست و هر کس از این قاعده تخلف کند نه تنها در برابر خداوند مسئول است بلکه تنبیهات لازم را از جامعه به دنبال خواهد داشت.

دیانت بهائی ارزش جوشش جنسی را می‌داند. اما جلوه‌ناشروع و نادرست آن مثل روابط آزاد، ازدواج دوستانه و بدون شرایط جاری رسمی و مانند آن را محکوم می‌کند، که تمام آن‌ها برای فرد و جامعه، هر دو، مضر تلقی می‌شود. استفاده درست از غریزه جنسی حق طبیعی هر فرد است و به همین منظور است که موسسه ازدواج تأسیس شده است. بهائیان به سرکوب میل جنسی معتقد نیستند، بلکه به تنظیم و کنترل آن توجه دارند.

از توابع حضرت ولی امرالله
مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۳ خطاب به یکی از احباء [24]

موسسه ازدواج، آن گونه که حضرت بهاءالله تأسیس فرموده اند، در عین این که بر جنبه جسمانی اتحاد در ازدواج اهمیت لازم را می‌دهد، آن را تابع مقاصد و اعمال اخلاقی و روحانی می‌داند که خداوند حکیم و رحیم برای آن قرار داده است. فقط زمانی که این ارزش‌های گوناگون اهمیت خاص خود را بیابند، و فقط بر مبنای تابعیت جنبه جسمانی از جنبه اخلاقی، و جنبه مادی از جنبه روحانی است که از این افراط و تفریط‌ها در روابط دو جنس می‌توان پرهیز نمود که عصر منحنی، در نهایت تأسف شاهده آن است، و این که حیات عائله به طهارت اصلی اش بازگردد و تکلیف حقیقی اش را که خداوند برای آن معین فرموده است، تحقق بخشد.

از توابع حضرت ولی امرالله
مورخ ۸ ماه می ۱۹۳۹ خطاب به یکی از احباء [25]

پاسخ سؤالی که راجع به جایگاه علقه عمیق عاطفی و عشقی با کسی غیر از زن یا شوهر مطرح کرده بودید در تعالیم بهائی به روشنی داده شده است، عفت و عصمت در قبل از ازدواج مستلزم حیات جنسی پاک و بی غل و غش است. قبل از ازدواج کاملاً عقیف، بعد از ازدواج کاملاً وفادار به همسر انتخابی. وفادار در تمام اعمال جنسی، وفادار در کلام و عمل... آن‌ها باید خارج از زندگی طبیعی و مشروع ازدواج، در کار استقرار پیوند های دوستی و عشقی باشند که جاودانی بوده بر حیات روحانی انسان مبتنی است نه زندگی جسمانی. او این زمینه یکی از زمینه های بسیاری است که در آن بر بهائیان فرض و واجب است که نمونه باشند و راه را برای معیار حقیقی زندگی انسان باز

کنند. که طی آن روح انسان متعالی است و بدن او وسیله ای برای روح نورانی اوست. البته این بدان معنا نیست که در مسیر مشروع ازدواج حیات جنسی کاملاً عادی نداشته باشیم.

از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله
مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ خطاب به یکی از احباء [26]

ایشان بسیار متأسفند که در مورد تربیت فرزندان بین شما و شوهرتان مشکلی پیش آمده است. در تمام مواردی که بهائیان با افراد غیر بهائی ازدواج می کنند، که دیانت دیگر دارند، باید راجع به تربیت مذهبی فرزندان در آینده از پیش تفاهمی داشته باشند اگر چنین توافقی صورت نگرفته باشد و اگر آنان نتوانند به توافقی در این مورد برسند، طرف بهائی باید برای مشورت به محفل روحانی رجوع نماید.

از توفیق مبارکه از طرف حضرت ولی امرالله
مورخ سپتامبر ۱۹۴۷ خطاب به یکی از احباء [27]

ایشان در کمال قوت بر این نظرند که بهائیان، به خصوص آنان که مانند شما و خانواده تان در خدمت به امر مبارک فعالیت چشمگیر دارند، باید از هر نظر برای بهائیان تازه وارد و جوانان بهائی مثل اعلی باشند. از آن جا که حضرت بهاءالله طلاق را دوست نداشتند (با اینکه آن را مجاز می دانند) و از دواج را مسئولیت مقدسی می دانستند، احباً باید هر چه درتوان دارند ازدواج شان را حفظ کنند، و اتحادی نمونه را ارائه دهند که عالی ترین انگیزه ها بر آن حاکم است.

از توفیق مبارکه از طرف حضرت ولی امرالله
مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ خطاب به یکی از احباء [28]

مسائل مربوط به ازدواج اغلب اوقات بسیار پیچیده و ظریف است، و ما بهائیان با افکار روشن و پیشرفته در صورت لزوم نباید در مراجعه به علوم تردید نمائیم. اگر شما و شوهرتان با هم یا جداگانه درباره مشکلات تان با پزشک مشورت کرده باشید شاید دریابید که می توانید شوهرتان را درمان

کنید، یا حداقل سعی تان را در درمان بنمائید. باعث کمال تأسف است که احبائی که در امر مبارک متحدند، و از برکت خانواده برخوردارند، نتوانند هماهنگی لازم را باهم داشته باشند. و نظر مبارک این است که با اعمال مثبت و انجام وظائف در بهبود اوضاع بکوشید. وقتی سایه جدائی بر سر زن و شوهر بیفتد، باید نهایت کوشش را بنمایند تا به توافقی برسند.

توقیع مبارک از طرف حضرت ولی امرالله
مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ خطاب به یکی از احباء [29]

ایشان توصیه می فرمایند، حداقل برای مدتی با وقف اوقات بیشتر از شوهرتان دلجوئی کنید، و با محبت و شکیبائی با او برخورد نمائید. شاید به این طریق بتوانید از مخالفت اش با امر مبارک بکاهید. در هر صورت او حق ندارد بکوشد شما را از این اعتقاد باز دارد. رابطه روح انسان با خالق خود کاملاً شخصی و مقدس است. و هیچ کسی حق ندارد در این موضوعات به کسی دیکته کند.

از توقیع حضرت ولی امرالله
مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۵۰ خطاب به یکی از احباء [30]

مستخرجاتی از دستخط های بیت العدل اعظم

حضرت بهاءالله برای وحدت عالم ظهور فرمودند و وحدت اصلیه وحدت خانواده است. بنابراین باید براین اعتقاد باشیم که مقصد امر مبارک تقویت بنیان خانواده است، نه تضعیف آن. برای مثال خدمت به امر مبارک نباید سبب غفلت از خانواده شود. بسیار حائز اهمیت است که وقت تان را طوری تنظیم کنید که با زندگی خانواده هماهنگ باشد و خانواده توجه لازم را دریافت نماید. حضرت بهاءالله بر اهمیت مشورت تأکید می فرمایند. نباید فکر کنیم که این روش ارزشمند حل مسائل محدود به مؤسسات اداری امر مبارک است. مشورت در خانوادگی با استفاده از بحث کامل و صریح یا آگاهی از نیاز به اعتدال و موازنه، می تواند نوسداری اختلافات خانوادگی باشد. زنان نباید برای تسلط بر شوهرانشان بکوشند و شوهران هم همین طور.

از دستخط مورخ ۱ اوت ۱۹۷۸
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [31]

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ... که در پاراگراف اول نامه تان به آن اشاره می کنید صرفاً توصیه است نه حکم (۱). به علاوه، این لوح مبارک به افتخار برخی از زنان بهائی در ایران بوده که در مورد وضعیتی خاص از حضرت عبدالبهاء هدایت خواسته بودند. متأسفانه شرایط مربوط به نزول این لوح مبارک نا معلوم است، چون که عریضه مورد نظر دیده نشده است. بنابراین، این نقل قول باید توصیه ای باشد که در ارتباط با سؤالی، مثل بسیاری از سؤال های دیگر که در این مجموعه آمده تا آثار مبارکه را از جنبه های گوناگون حیات عائله مطرح نموده باشند.

۱. یکی از احباء راجع به اشاره به بیان مبارک درباره اطاعت از شوهر و ملاحظه احوال او از طرف زن، در متن لوح مبارک از حضرت عبدالبهاء سؤال نموده که لوح مبارک به شرح زیر است:

ترجمه با اصل مقابله شده، شک نیست که این متن با ترجمه انگلیسی مطابقت دارد.

همان طور که می‌گوئید، اصل تساوی حقوق زن و مرد بی‌چون و چرا است، آثار مبارکه در این مورد روشن و بدون ابهام است. بیت العدل اعظم بارها اشاره فرموده اند اوقاتی هست که زن و شوهر باید به خواست های طرف دیگر تن در دهند. آیا دقیقاً تحت چه شرایطی تن در دادنی باید صورت گیرد، منوط به تصمیم هر زوج است. اگر خدای نکرده همسران در توافق قصور ورزند، و عدم توافق ایشان به بیگانگی بیانجامد، باید در حد مشورت با کسانی برآیند که به آنان اطمینان دارند و به صمیمیت و قضاوت صحیح شان اعتماد دارند تا پیوندهایشان به عنوان یک خانواده متحد حفظ و تقویت شود.

بیت العدل اعظم امیدوارند که توضیح فوق در مورد پیچیدگی حقوق زن و شوهر در خانواده به شما کمک کند. همچنین می‌توانید به مجموعه ای که اخیراً در مورد زنان منتشر گردید مراجعه نمائید.

از دستخط مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۶
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [32]

همان طور که می‌دانید، اصل وحدت بشر در آثار مبارکه بهائی به عنوان محوری است که تمام تعالیم حضرت بهاءالله حول آن در گردش اند. این اصل دلالت گسترده ای دارد که بر تمام ابعاد فعالیت انسان موثر است و به آن‌ها شکل می‌دهد. این اصل مستدعی تغییر اساسی در شیوه ارتباط مردم با یکدیگر است و تمام روش‌های کهن را از بیخ و بن می‌کند که حقوق اساسی انسانی افراد را در رفتار محترمانه و با ملاحظه انکار می‌نمایند. حقوق تمام اعضاء در محدوده خانواده باید مورد احترام باشد. حضرت عبداله‌بهاء می‌فرمایند:

ای کنیزان

نهایت سعی و کوشش را مجری دارید که انشاءالله به فضائل متصف شوید که بین نساء عالم ممتاز و مفتخر گردید. یقیناً هیچ فخر و مباهاتی برای نساء عالم، بالاتر از این نیست که کنیزان بارگاه عظمت پروردگار باشند و صفاتی که شایسته این مقام است دلی بیدار و هوشیار، اعتقاد راسخ به وحدت پروردگار بیهمتا، محبتی حقیقی برای خادمان درگاه، طهارت و تقوی خالص، متانت، آرامش، عزت، کف نفس، در ستایش خداوند و عبادت او در صبح و شب، ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق و نهایت شور و شوق در تعلق به امر مبارک. از خدا می‌خواهم که جمیع این مواهب نصیب شود.

تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی مورد توجه دقیق قرار گیرد و حقوق و شئون اعضاء، کل، محترم و محفوظ باقی ماند. حقوق فرزندان، حقوق پدر و مادر هیچ یک از آن‌ها نباید پایمال شود و

معرض تخطی و تجاوز واقع گردد و در عین حال هیچ یک نباید جنبه انفرادی و مطلق اختیار نماید. همان طور که فرزند نسبت به پدر خویش داراری پاره ای تعهدات است پدر نیز به همان قرار صاحب وظائفی است که باید در حق فرزند مجری دارد. مادر، خواهر و دیگر اعضای عائله نیز هر یک دارای حدود و مقامات مخصوصه اند. جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد. استفاده از زور از طرف کسانی که از لحاظ جسمانی نیرومندند، علیه افراد ضعیف و تحمیل اراده و تحقق امیال خود تخطی آشکار از تعالیم بهائی است. هیچ توجیهی برای زور گفتن به دیگری یعنی استفاده از زور و تهدید خشونت برای انجام آن چیزی که شخص دیگر می خواهد وجود ندارد. حضرت عبدالبهاء می فرماید: " ای محبوبان پروردگار در این دور مبارک خشونت و زور، اجبار و سرکوب محکومند." آنانی که تحت تأثیر احساسات خود یا از ناتوانی خود در کنترل خشم خویش شاید به اعمال خشونت علیه انسان دیگر وسوسه شوند بدانند که چنین رفتاری در ظهور مبارک حضرت بهاءالله محکوم است.

از جمله علائم انحطاط اخلاقی درنظم اجتماعی در حال افول وقوع بسیار متعدد خشونت در خانواده، افزایش تحقیر و رفتار ظالمانه نسبت به همسران و فرزندان و شیوع سوء استفاده جنسی است. ضروری است که اعضای جامعه اسم اعظم بسیار مراقب باشند که جذب این روش های جاری نشوند. آن ها باید پیوسته مراقب تکالیف خود در ارائه نمونه ای جدید از زندگی باشند که با احترام آن برای منزلت و حقوق همه مردمان با خصوصیت اخلاق متعالی و با آزادی آن از سرکوب و انواع اشکال سوء استفاده مشخص می شود.

مشورت به امر حضرت بهاءالله وسیله ای است که توسط آن می توان به توافق و مسیر عمل جمعی دست یافت. مشورت در مورد همسران و اعضاء خانواده و در واقع در تمام حوزه هائی که احباء، در تصمیم گیری مشارکت دارند قابل اجراست. مشورت مستلزم آن است که تمام شرکت کنندگان عقاید خود را در نهایت آزادی و بدون بیم از آن که منع شوند یا نظرات شان مورد تحقیر باشد بیان نمایند، این پیش درآمدهای موفقیت حاصل نمی شود اگر ترس از خشونت یا سوء رفتار و جود داشته باشد.

تعدادی از سوالات شما مربوط طبه رفتار با زنان است، و به بهترین صورت در سایه اصل تساوی حقوق زن و مرد قابل بررسی است که در تعالیم مبارکه بهائی مطرح است. این اصل بیش از بیان آرمان های قابل تحسین است، این اصل هدیای بسیار در تمام جنبه های روابط انسان ها دارد و باید عنصری جدائی ناپذیر از حیات خانوادگی و جامعه بهائی باشد.

اجرای این اصل سبب تغییرات در عادات و روش‌های است که قرن‌ها شایع بوده است. مثالی از این مورد در پاسخی دیده می‌شود که از طرف حضرت ولی‌ام‌الله به سؤالی داده شده که آیا روش‌های قدیمی که در آن مرد به زن پیشنهاد ازدواج می‌دهد با تعالیم بهائی تغییر می‌یابد تا به زن اجازه دهد که به مرد پیشنهاد ازدواج دهد، پاسخ این است: "حضرت ولی‌ام‌الله مایلند اعلام فرمایند که تساوی کامل بین این دو وجود دارد و هیچ تمایز یا ترجیحی مجاز نیست...". با گذشت زمان، که طی آن مردان و زنان بهائی می‌کوشند اصل تساوی زن و مرد را کامل‌تر اجرا نمایند، درکی عمیق‌تر از پیامدهای بلند مدت این اصل اساسی پدید خواهد آمد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"تا زمانی که تساوی بین زن و مرد کاملاً برقرار نشود و

حاصل نگردد بالاترین رشد اجتماعی بشر میسر نیست."

بیت العدل اعظم در سنوات اخیر تأکید فرموده اند که زنان و دختران بهائی تشویق شوند در فعالیت‌های اجتماعی، روحانی و اداری جامعه‌شان بیشتر شرکت نمایند و از زنان بهائی خواسته اند قیام کنند و اهمیت نقش خود را در تمام زمینه‌های خدمت به امر مبارک نشان دهند.

برای یک مرد استفاده از زور برای تحمیل اراده خود به یک زن تخطی فاحشی از تعالیم بهائی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"جهان درگذشته با زور اداره می‌شد و رجال به دلیل صفات قوت و خشونت از لحاظ بدنی و ذهنی مسلط بر نساء بودند اما تعادل در حال به هم خوردن است، زور و تسلط خود را از دست می‌دهد و حدت ذهنی، بصیرت و صفات روحانی محبت و خدمت‌برتری می‌یابد که زنان در آن قوی‌ترند."

مردان بهائی این فرصت را دارند به دنیای اطراف خود نشان دهند که شیوه‌ای جدید بین زن و مرد ممکن است که در آن پرخاش و استفاده از زور از بین می‌رود و جای آن را همکاری و مشورت می‌گیرد. بیت العدل اعظم در پاسخ به سؤالی در مورد ارتباط زن و شوهر خاطر نشان ساخته اند که هیچ‌یک نباید با بی‌انصافی در تسلط بر دیگری بکوشد و این که اوقاتی هست که در صورت عدم توافق از طریق مشورت شوهر و زن باید به میل دیگری گردن نهند و هر زوجی باید تعیین کند که دقیقاً تحت چه شرایطی این گردن نهادن باید صورت گیرد.

در مورد رفتار با زنان حضرت بهاء الله می فرمایند:

"احبای الهی باید مزین به زینت عدالت، انصاف و محبت و مهربانی باشند همان طور که نمی خواهند به ایشان ظلم شود و مورد اجحاف قرار گیرند، همین گونه نباید به کنیزان الهی ظلم روا دارند. ان الله يقول الحقّ و يحکم ما ینفع به عباد الله و اماء الرحمن. انه یحفظ الكل فی الدنيا و الاخرة."

تحت هیچ شرایطی شوهر بهائی نباید زن اش را بزند یا با او رفتار ظالمانه ای داشته باشد. این کار سوء رفتاری غیر قابل قبول در رابطه زناشویی است که زن جز برای ارضای جنسی مورد توجه نیست و احترام و ادبی را که شایسته انسان هاست دریافت نمی کند. حضرت بهاء الله این گونه انذار می فرمایند: "آنان که از شهوات و تمایلات فاسد خود پیروی می کنند در اشتباهند و زحمات خود را هدر می دهند. آن ها از گمراهانند." احبای الهی با توجه به بیان مبارک حضرت بهاء الله راجع به مؤمن حقیقی معیارهای متعالی رفتاری را که ضروری است بیان می فرمایند: "و اگر ربانّ جلال با بدع جمال براو بگذرند ابدأً به آن سو نظر نمایی، چنین نفسی در حقیقت، در نهایت عصمت و عفتّ است. کذلک یعلمکّ جمال القدم بامر ربک المقتدر الرحیم."

یکی از فجیع ترین جنایات جنسی تجاوز به عفت است. وقتی یک بهائی قربانی باشد باید مورد حمایت محبت آمیز اعضاء جامعه خود باشد و یا باید در صورت تمایل علیه متجاوز تحت قوانین کشور اقدام نماید. اگر در نتیجه این تجاوز آبهتن شود از طرف مؤسسات بهائی نباید وادار به ازدواج شود. در مورد ادامه آبهتنی یا سقط جنین تصمیم با خود اوست که در جریان عمل اتخاذ می نماید که با ملاحظه عوامل پزشکی و عوامل دیگر و در ظل تعالیم الهیه است. اگر فرزندش را به دنیا بیاود، مختار است که از بدو کودک برای زندگی او کمک مالی بخواهد اما ادعای او در احقاق هر گونه حق پدری تحت قوانین بهائی بسته به مقتضیات است.

حضرت ولی امرالله در تواقیعی که از طرف ایشان نگاشته شده می فرمایند: "دیانت بهائی ارزش شور جنسی را می داند و این که استفاده درست از غریزه جنسی حق طبیعی هر فردی است و دقیقاً به همین دلیل است که موسسه ازدواج ایجاد شده است."

در این جنبه از رابطه خانوادگی هم مانند روابط دیگر ملاحظه دو جانبه و احترام باید مراعات شود اگر یک زن بهائی مورد سوء رفتار قرار گیرد یا به او از طرف همسرش تجاوز شود حق دارد به محفل روحانی رجوع کند تا کمک یا مشورت بگیرد یا در جستجوی حمایت قانونی باشد.

چنین سوء رفتاری تداوم خانواده را به شدت به مخاطره می افکند و می تواند به بیزاری غیر قابل جبران بیانجامد.

از دستخط مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [33]

در پاسخ به یکی از احباء که درک بهتری از اشاره به پدر به عنوان سرپرست خانواده می خواستند در دستخطی از طرف بیت العدل اعظم چنین فرموده اند: همان گونه که در نامه خود اشاره کرده اید بیت العدل اعظم می فرماید با استنباط از مسئولیت هائی که بر عهده پدر گذاشته شده او می تواند سرپرست خانواده به حساب آید. در عین حال این کلمه به معنایی نیست که عموماً به کار می رود. بلکه معنایی جدید در ظل اصل تساوی حقوق زن و مرد است. در بیانیه های بیت العدل اعظم که نه زن و نه مرد نباید به نحوی غیر منصفانه بر دیگر مسلط شود مطرح می گردد. در پاسخ به سؤال یکی از احباء بیت العدل اعظم قبلاً بیان فرموده اند که استفاده از کلمه سرپرست به معنای برتری شوهر یا حقوق خاص برای زیر پا گذاشتن حقوق سایر اعضای خانواده نیست. " همچنین فرموده اند: اگر پس از مشورت محبت آمیز توافقی به عمل نیاید " اوقاتی هست که زن باید تابع نظرات شوهر اش باشد اما هیچ یک نباید غیر منصفانه بردیگری تسلط یابد. " این مطلب با استفاده سنتی از سرپرست تفاوت دارد که طی آن بسیاری اوقات در صورت عدم توافق در تصمیم گیری حق بی چون و چرای تصمیم گیری به شوهر واگذار می شود.

از دستخط های مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۳
مرقومه بیت العدل اعظم
از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء [34]

حفظ وحدت و اتحاد بین زن و شوهر حائز اهمیتی فوق العاده است و اگر با خدمت به امر مبارک مورد مخاطره قرار نگیرد، باید راه حلی برای اصلاح و وضعیت یافت شود.

به عبارت دیگر هر راهی که انتخاب می کنید باید در خدمت پیشرفت امر مبارک باشد و در عین حال تقویت اتحاد خانواده را تسهیل نماید. از تویع مبارک ذیل درمی یابید که احبای الهی هر گز نباید تشویق شوند که خدمت بر امر مبارک را دلیل برای غفلت از خانواده قرار دهند.

مطمئناً حضرت ولی امرالله مایلند که شما و سایر احباء تمام وقت و نیروی خود را صرف امر مبارک نمایند. چون که ما شدیداً نیازمند افراد فعال و کار آزموده هستیم. اما خانواده موسسه ای است که حضرت بهاء الله برای تقویت آن آمده اند نه تضعیف آن. به دلیل غفلت از این نکته اساسی مشکلات عمده ای در خانواده های بهائی رخ داده است. البته به امر مبارک خدمت کنید اما در عین حال بیاد آورید نسبت به خانواده تان هم وظایفی دارید. این وظیفه شما است که تعادل را حفظ کنید و دقت کنید که هیچ یک سبب غفلت از دیگری نشود.

از دستخطی به تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۴
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [35]

خوب است توجه کنیم که رابطه در ازدواج رابطه ای است که در بسیاری از موارد مستلزم سازگاری عمیق در رفتار از سوی هر یک از دو طرف است. چون که نزدیکی روابط بهترین و بدترین ها را در شخصیت های ایشان آشکار می سازد و هر دو طرف در کار ایجاد تعادل هستند. برخی از زوج ها از همان ابتدا در این کار توفیق می یابند و سراسر حیات خانواده شان مشحون از همراهی و هماهنگی است. بسیاری دیگر در می یابند که برای رسیدن به این هماهنگی باید بیشتر بکوشند. در عین این که حقوق شخصی هر یک از دو طرف باید توسط دیگری مراعات شود، باید در نظر داشت که رابطه با دیگری صرفاً مبتنی بر قضایای قانونی نیست محبت اصل و اساس این ارتباط است. به این ترتیب واکنش های صرفاً قانونی نسبت به سوء رفتار همسر رفتاری مناسب نیست.

از دستخطی به تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۹۶
مرقومه بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [36]

موضوعی که مطرح کرده اید واجد اهمیت بسیار برای زوج های بهائی است که می کوشند نیازها و فرصت های گوناگونی را که در جامعه کنونی با آن مواجه می شوند مورد نظر دقیق قرار می دهند. (۲)

مانند بسیاری دیگر از جنبه های حیات روز مره حل این مسئله باید با درک کاربرد تعالیم دیانت بهائی مورد توجه قرار گیرد. احباء باید به روشنی بدانند و ناراحت نشوند از این که راه حل بهائی برای آنان که از فیض پذیرش حضرت موعود بهره مند نیستند و درگیر الگوهای فکری هستند که خلاف تعالیم بهائی است و بسیاری از مردم این الگوها را پذیرفته اند مناسب تلقی نشود.

محور اصلی توجه به این موضوع، باید مقصد حیات تمام پیروان وفادار حضرت بهاء الله باشد، عرفان خداوند و محبت او. این کار شامل خدمت به هموعان و پیشبرد امر مبارک است.

در پی گیری این هدف، احباء باید بکوشند قریحه و استعدادهایشان را با بررسی مسیرهای پیش روی خود گسترش دهند. به دلیل محدودیت های این عالم در بسیاری موارد احباء فرصت رشد و تکامل حداکثر استعدادهای خود را نمی یابند. این مطلب ممکن است به دلیل فقدان منابع مادی یا تسهیلات تربیتی باشد یا به دلیل ضرورت انجام تکالیف دیگر یا تحقق وظایف دیگر، مثل مسئولیت های مربوط به ازدواج و نقش والدینی باشد. برخی موارد، شاید نتیجه تصمیم آگاهانه در فداکاری برای امر مبارک باشد مثل زمانی که مهاجر تصمیم به خدمت در جایی می گیرد که فاقد تسهیلات لازم برای رشد و تکامل مهارت و استعدادهای خاص اوست. اما این محرومیت ها و محدودیت ها به این معنا نیست که این بهائیان قادر به تحقق مقصد اساسی و الهی خود نیستند، آن ها فقط عناصری از تلاش جهانی برای ارزیابی و ایجاد تعادل در موارد بسیاری هستند که وقت و کوشش انسان را در این جهان می طلبد. هیچ پاسخ عمومی برای سؤالاتی وجود ندارد که راجع به تصمیم گیری همسرانی که هر دو شاغل اند و به نظر می رسد که هر دو این مشاغل آن ها را به مسیرهای متضادی رهنمون می شود، از آن جا که چون که شرایط بسیار متفاوت است.

۲. یکی از احباء راجع به تصمیم گیری همسران پرسیده است هنگامی که زن و شوهر هر دو دارای فرصت های شغلی هستند که به نظر می رسد آنها را در مسیر های مخالف هم سوق می دهد.

هر زوجی باید بر جریان مشورت بهائی تکیه نماید تا بهترین مسیر عمل را تعیین کند. برای این کار می‌توانند از جمله عوامل ذیل را در نظر بگیرند:

- احساس برابری که باید در مشورت بین زن و شوهر وجود داشته باشد.

بیت العدل اعظم می‌فرماید که مشورت از روی محبت باید اساس رابطه ازدواج باشد. اگر توافق حاصل نشد، اوقاتی هست که شوهر یا زن باید به میل دیگری عمل نماید، آیا دقیقاً تحت چه شرایطی این عمل به میل دیگری باید صورت پذیرد، موضوعی است که هر یک از زوج‌ها باید تصمیم‌اش را بگیرند.

- تأکید اکید آثار مبارکه بهائی بر حفظ رابطه زناشویی و تقویت وحدت و اتحاد بین همسران.
- مفهوم خانواده بهائی، که در آن اول مربی طفل مادر است و این که شوهر مسئولیت اساسی حمایت مالی خانواده‌اش را دارد. همان طور که بیت العدل اعظم در جای دیگری فرموده‌اند، این بدان معنا نیست که این وظائف به نحوی ثابت مقرر شده و نمی‌تواند با موقعیت‌های خاص خانواده تغییر یابد و سازگار شود.
- شرایط خاصی که ممکن است پیش بیاید مثل آینده شغلی در دوره بی‌کاری گسترده فرصت‌های نامعمول یا توانای‌هایی که ممکن است یکی از همسران داشته باشد یا نیازهای مؤکد امر مبارک که شاید خواستار فداکاری خاصی باشد.

توفیق چنین مشورتی بی‌شک تحت تأثیر حالت دعائی است که در آن قرار می‌گیریم. احترام متقابل طرفین، میل شدید به طرح راه‌حلی که حافظ وحدت و هماهنگی خودشان و سایر اعضای خانواده باشد و اشتیاق آن‌ها در مصالحه و توافق در زمینه برابری است.

همچنان که جامعه در سنوات و قرون تحت تأثیر تحول آفرین ظهور حضرت بهاءالله متحول می‌شود، مطمئناً تغییراتی اساسی می‌یابد که کاربرد اجتماعی تعالیم بهائی تسهیل می‌کند و مشکلات رویارویی زوج‌ها را تسهیل می‌نماید که در جستجوی تحقق تمایل شدیدشان در خدمت به امر حضرت بهاءالله از طریق فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان هستند.

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح می فرمایند : " شوهرت را عزیز بدار و همیشه با او خوش رفتاری کن، هر قدر هم که بد اخلاق باشد." (۳)

در پاسخ به سؤالی راجع به این بیان مبارک مرقومه ای از دارالانشاء به تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۰ توضیح ذیل مطرح می نماید:

روشن است که هیچ شوهری نباید با زن اش رفتاری سوء از هر نوع داشته باشد، اعم از عاطفی، ذهنی یا جسمانی. چنین عمل ناپسندی مخالف رابطه احترام آمیز و برابری مورد نظر آثار مبارکه بهائی است. رابطه ای که تحت تأثیر اصول مشورت و عاری از استفاده از هر گونه سوء رفتار، از جمله عامل زور و الزام به اطاعت از اراده خود است. وقتی زنی بهائی در چنین موقعیتی قرار می گیرد و احساس می کند که نمی تواند با شوهرش مشکل را حل کند، می تواند برای راهنمایی و مشاوره به محفل روحانی ملّی رجوع نماید و نیز از کمک مشاوران حرفه ای کاردان به خوبی بهره برد. اگر شوهر هم بهائی باشد، محفل روحانی ملّی می تواند توجه او را به اجتناب از رفتار نامطلوب جلب نماید و در صورت لزوم اقداماتی در جهت الزام او در توصیه های تعالیم الهی نماید.

از یادداشتی در مورخ ۲۰ مارس ۲۰۰۲
مرقومه از طرفیبت العدل اعظم [38]

شوهرت را عزیز بدار و همیشه با او خوش رفتاری کن. هر قدر هم که بد اخلاق باشد. حتی اگر مهربانی تو او را بد اخلاق تر کند باز هم مهربان تر باش، ملایم تر باش، با محبت ت باش و رفتار ناراحت کننده و تهاجمی اش را تحمل کن.

روابط و مسئولیت های والدین و فرزندان

مستخرجاتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله

آباء باید در دین ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند چه هر فرزندی از دین الهی خارج شود البتّه به رضای ابویں و حق جل جلاله عمل ننماید. جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیّه کبری از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معروفی اقبال ننماید.

مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی
مرکز جهانی بهائی. آگوست ۱۹۷۶. ص ۱۱ [39]

و در لوحی دیگر این کلمات عالیات نازل :

یا محمّد! وجه قدم به تو متوجه و تو را ذکر می نماید، و اهل الله را به تربیت فرزندان وصیّت می فرماید. اگر پدری از این حکم محکم غافل شود... حقوق پدری از او سلب می شود و در پیشگاه حق مسئول است. طوبی از برای نفسی که نصائح حق را به گوش جان اصغاء نماید و در کمال استقامت به آن عمل کند انّ الله يحکم العباد ان يعدوا هم و ينفعمهم و يقربهم الى الله. هو الباقي القدير

(ترجمه)
رسالة سوال و جواب [40]

ثمره شجر حیات انسان اطمینان، صداقت و خلوص است، اما بیش از همه پس از معرفت حق سبحان و تعالی احترام به حقوق والدین است. این تعلیم در کتب الهیه مذکور است و قلم اعلی به آن وصیت می فرماید. ملاحظه کنید که خداوند رحمان در قرآن کریم می فرماید " ان آمنوا بالله و بالوالدین احساناً..."

ملاحظه نمائید چگونه محبت به والدین به ایمان به خداوند ربط یافته ! خوشا به حال آنان که به زیور خرد مزینند که بصیرند و خبیرند که می خوانند و می فهمند و می دانند آن چه را که خداوند در کتب مقدسه قبل و در این لوح بدیع و منیع نازل فرموده است.

(ترجمه) رساله سوال و جواب [41]

قلم اعلی کل را نصیحت می فرماید به تعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اول ورود به سجن مشیت الهی نازل " کتب علی کل رب تربیته ابنه و بنته بالعلم و الخط و دونهما عما حدّد فی الواح و الذی ترک ما امر به فلامنا ان یاخذوا منه ما یکون و الا یرجع الی بیت العدل

نبذة من تعالیم حضرت بهاء الله [42]

آن چه از برای اطفال در مقام اول و رتبه اولیه واجب و لازماست تعلیم کلمه توحید و شرایع الهیه است چه که من دون آن خشیه الله حاصل نمی شود و در فقدان آن صد هزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبّه ظاهر می گردد....

آباء باید کمال سعی را در تدبیر اولاد مبذول دارند چه که اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد از اطاعت ابوی که در مقامی اطاعت الله است غافل گردد و دیگر چنین اولاد مبالغه نداشته و ندارد. یفعل باهوائه مايشاء

کلمات فردوسیه

ورق هشتم از فردوس اعلی [43]

ای مردمان، به پدر و مادرتان احترام بگذارید و آنان را تکریم کنید. این احترام و تکریم سبب نزول برکات از سبحان رحمت الهی خواهد شد.

(ترجمه)[44]

از امتیازات این دور اعظم این است که منسوبان نفوسی که حقیقت این ظهور اعظم را شناخته اند و به این اسم اعظم او پروردگار توانا از ریح مختوم حب الهی آشامیده اند پس از صعود، اگر به ظاهر از مومنین نباشند مورد بخشش خداوند قرار می گیرند و از دریای رحمت اش بهره می برند.

البته این رحمت فقط نصیب نفوسی است که بر سلطان حقیقی و محبوبان او مضرتی نیاورده باشند و این است امر مبرم رب العرش والثری.

ترجمه
از الواج مبارکه حضرت بهاء الله [45]

مستخرجاتی از آثار مبارکه بیانات حضرت عبدالبهاء

ای دو اولاد عزیز من، اقتران شما چون به سمع من رسید بی نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمدلله آن دو طیر با وفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهم که یک عائله محترمه تشکیل نمایند، زیرا اهمیت ازدواج به جهت تشکیل یک عائله پر برکت است تا در کمال مسرت مانند شمع های عالم انسان را روشن نمایند. زیرا روشنائی این عالم بر وجود انسان است. اگر در این جهان انسان نبود مانند شجر بی ثمر بود، حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طروت و لطافت حاصل نمایند و پر شکوفه و ثمر گردند تا الی الابد این سلاله باقی و برقرار ماند.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء
شماره ۸۸ [46]

اگر مرئی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلّم نباشد، اطفال کل، مانند حشرات گردند، این است که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری، یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد رب غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء
شماره ۹۸ [47]

مسئله اخلاق را بسیار اهمیت دهید جمیع آباء و امهات باید اطفال را متماداً نصیحت کنند و برآن چه سبب عزت ابدیه است دلالت نمایند.

همان شماره ۱۰۸ [48]

در خصوص تربیت اطفال و امهات باید نهایت اهمیت بدهند و همت بگمارند زیرا شاخه تا تر و تازه است هر نوع تربیت نمائی تربیت شود پس امهات باید طفلان خردسال را مانند نهال هایی که باغبان می پرورد پرورش دهند، شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمان و محبت دلبر آفاق و فضائل و اخلاق و حسن صفات تأسیس یابد.

مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تطیب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی قانده صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و به وسائط معقوله حتی زجر لسانی جزئی، اگر لازم باشد مجری دارد. ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست زیرا به کلی اخلاق طفل از ضرب و شتم مضموم گردد.

همان شماره ۹۷ [49]

اطفال را از سن شیر خواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید. از هر علم مفیدی بهره مند نمائید و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید، پر همت نمائید و متحمل مشقت کنید، اقدام در امور مهمه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمائید.

همان شماره ۱۰۲ [50]

اگر به پدر و مادران مهربانی کنید و مراقب آن ها باشید و آن ها از شما راضی شوند، من هم از شما راضی هستم چون که پدر و مادران باید بسیار مورد احترام باشند و باید از شما احساس رضایت کنند، به شرطی که آن ها شما را از آستان ملیک مقتدر باز ندارند، در حقیقت شایسته است که آنان در این راه تو را تشویق و تحریص نمایند.

یکی از الواح فارسی حضرت عبدالبهاء [51]

و همچنین پدر و مادر در نهایت تعب و مشقّت به جهت اولاد کشند و اکثر چون به سن رشد رسند پدر و مادر به جهان دیگر شتابند. نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقّات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند. پس باید اولاد در مقابل مشقّات و زحمات پدر و مادر خیرات و مبرّات نمایند و طلب عفو و غفران کنند. مثلاً شما در مقابل محبت و مهربانی پدر باید به جهت او انفاق بر فقراء نمائید و در کمال تضرّع و ابتهال طلب عفو و غفران کنید و رحمت کبری خواهید.

مفاوضات مبارک

صفحه ۱۷۵ [52]

راجع به سوال شما درباره مشورت پدر و پسر، یا پسر یا پدر، در مورد کسب و کار، مشورت یکی از عناصر اساسی بنیان قانون الهی است، چنین مشورتی بی شک قابل قبول است چه بین پدر و پسر باشد یا با دیگران، بهتر از این نمی شود. انسان باید در همه امور مشورت کند چون که او را به عمق مشکلات می رساند و او را قادر به یافتن راه حل درست می نماید.

یکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [53]

ای عزیز عبدالبهاء پسر آن پدر باش و ثمر آن شجر زاده عنصر جان و دل او باش نه همین آب و گل، پسر حقیقی آن است که از عنصر روحانی انسان منشعب گردد. از خدا خواهم که در جمیع اوقات موفق و مؤید باشی.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۱۱۷ [54]

پدر باید همیشه در تربیت پسرش بکوشد و او را با تعالیم آسمانی آشنا کند. باید پیوسته او را نصیحت کند و تشویق نماید. رفتار و اخلاق نیکو بیاموزد، وسائل تحصیل او را فراهم کند و علوم و هنرهای را بیاموزد. که مفید و ضروری است. خلاصه کلام، فضائل و کمالات عالم انسانی را به او القاء نماید. پیش از همه، پیوسته باید به یاد خدا باشد آن طور که شریان هایش به عشق خداوند نبضان نماید.

پسر هم از طرف دیگر، باید نهایت اطاعت را از پدرش داشته باشد و فروتنی و تواضع نماید. شب و روز باید در تأمین راحتی و آسایش پدر عزیزش کوشا باشد و اسباب رضایت او را فراهم آورد. باید از آسایش خود بگذرد و در تسریر خاطر پدر و مادرش بکوشد تا سبب رضایت خداوند شود و موجب تأییدات ملاء اعلی گردد.

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [55]

از جمله محافظه دین الله تربیت اصفال است که از اعظم اساس تعالیم الهیه است پس باید امهات اطفال شیر خوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند زیرا اول مربی امهاتند تا چون طفل بالغ گردد به جمیع خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصف و متخلق شود و همچنین به موجب اوامر الهیه هر طفل باید قرائت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلیم صنعتی از صنایع، این امور را نهایت اهتمام باید قصور و فتور در این خصوصی جائز نه.

ملاحظه بفرمائید که چقدر زندان و مسجون و محل عذاب و عتاب از برای نوع بشر حاضر و مهیاست تا به این وسائط زجریه نفوس را از ارتکاب جرائم عظیمه منع نمایند و حال آن که این زجر و عذاب سبب از دیاد سوء اخلاق می گردد و مطلوب چنانچه باید و شاید حاصل نشود پس باید نفوس را از صغر سن چنان تربیت نمود که اکتساب جرائم ننماید بلکه جمیع همشان به اکتساب فضائل باشد و نفس جرم و قصور را اعظم عقوبت شمردند و نفس خطا و عصیان را اعظم از حبس و زندان دانند چه که می توان انسان را چنان تربیت نمود که جرم و قصور اگر به کلی مفقود و معدوم نگردد ولی نادرالوقوع شود.

باری مقصود این است که تربیت از اعظم اوامر حضرت احدیت است و تأثیر آفتاب در شجر و ثمر اطفال را بسیار باید مواظبت و محافظت و تربیت نمود. این است حقیقت و شفقت پدر و مادر،

والّا علف خودرو گردند و شجره زقوم شوند خیر و شر ندانند و فضائل را از رذائل تمیز نتوانند، مربای غرور گردند و منصور رب غیور. لهذا جمیع اطفال نورسیدگان باغ محبت الله را کمال مواظبت و تربیت لازم.

مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی
مرکز جهانی بهائی اوت ۱۹۷۶ [56]

مستخرجاتی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله

مطمناً باعث تأسف است وقتی که پدر و مادر و فرزندان در برخی از مسائل عمده چون ازدواج اختلاف داشته باشند، اما بهترین راه نه بی توجهی به نظر دیگری یا بحث در فضای متشنج بلکه کوشش در حل مسائل به شیوه ای محبت آمیز است.

حضرت بهاء الله با قاطعیت کامل می فرمایند رضایت والدین قبل از توافقات نهائی ازدواج ضرورت دارد و بی شک این توافق از روی حکمت کامله است. حداقل منفعت آن این است که جوانان قبل از ازدواج با دقت بیشتری روی این موضوع بیندیشند. در مطابقت با این تعلیم مبارک است که حضرت شوقی افندی تلگراف فرموده اند که رضایت والدین شما باید جلب باشد.

از توقیعات مبارک حضرت ولی امرالله
مورخ ۲۹ ماه می ۱۹۲۹ خطاب به دوتن از احباء [57]

حضرت ولی امرالله بسیار مسرور شدند از این که دانستند خداوند فرزندی به شما عطا کرده، که وجود او قطعاً سبب آسایش و شادی بیشتر هر دوی شما و غنای بیشتر خانواده بهائی شما خواهد شد ایشان دعا می فرمایند که تحت مراقبت و هدایت شما فرزند عزیزتان از لحاظ جسمانی و روحانی رشد نماید و تربیتی بیابد که بعد ها، با تمام وجود امر مبارک را بپذیرد و به آن خدمت کند. در حقیقت این مقدس ترین وظیفه شما به عنوان پدر و مادر بهائی است و مطمئناً موفقیت و شادکامی خانواده شما به شیوه و میزان تحقق آن بستگی دارد.

از توقیعات مبارکه مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳
خطاب به یکی از احباء [58]

در مورد پس انداز شما حضرت ولی امرالله توصیه می فرمایند به اعتدال رفتار کنید و در عین این که تمایل شما را برای شرکت کریمانه در تبرّعات تدابیر می نمایند. مایلند به وظائف و مسئولیت های تان در مورد پدر و مادران توجه کنید که به گفته خودتان نیازمند کمک مالی شما هستند.

از توفیق مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۳۹
خطاب به یکی از احباء [59]

کار پرورش یک کودک بهائی، آن گونه که در آثار مقدّسه بهائی آمده مسئولیت اصلی مادر است که مزیت بیهمتای او در حقیقت ایجاد شرایطی است که منجر به آسایش پیشرفت مادی و روحانی شود. تربیتی که کودک ابتدا از مادرش می گیرد محکم ترین مبنای رشد و تکامل آینده اوست و بنابراین باید دغدغه اساسی همسر شما باشد... و کوشش در القای تربیت روحانی نوزاد از همین الان که او در آینده قادر به پذیرش کامل انجام انجام مسئولیت ها و وظائف حیات بهائی نماید.

از توفیق مبارکه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۳۹
خطاب به یکی از احباء [60]

در مورد اشاره شما به مسئله تربیت فرزندان : (۶)

با توجه به تأکید حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء بر ضرورت پرورش فرزندان توسط والدین در سنین طفولیت، ترجیح بر آن است که اطفال در سنین خردسالی توسط مادران تربیت شوند نه مهد کودک. اما در صورتی که شرایط ایجاب کند که یک مادر بهائی روش دوم را انتخاب نماید و اعتراضی نمی تواند باشد.

از توفیق مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۴۰
خطاب به یکی از احباء [61]

سوال دیگر، راجع به تربیت کودکان است. تعداد کمی از ما که منتظر تولد نوزادی هستیم مایلیم در سنین بالاتر (۲/۵) تا سه سالگی) آن‌ها را در مهد کودک... بگذاریم که بسیار خوب و در سراسر کشور برای روش‌های مطلوب هدایت کودک مشهور است، چون که احساس کردیم برای چند ماهی کفایت لازم را در پرورش آنان نداریم و این که

با توجه به تأکید حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء بر ضرورت پرورش فرزندان توسط والدین در سنین طفولیت، ترجیح بر آن است که اطفال در سنین خردسالی توسط مادران تربیت شوند نه مهد کودک. اما در صورتی که شرایط ایجاب کند که یک مادر بهائی روش دوم را انتخاب نماید اعتراضی نمی‌تواند باشد.

از توفیق مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۶۰
خطاب به یکی از ارباب [61]

مسئله تعلیم و تربیت کودکان در موردی که یکی از والدین غیر بهائی باشد کاملاً مربوط به خود والدین است که باید راجع به آن تصمیم بگیرند آن گونه که می‌پسندند و آن گونه که وحدت خانواده را حفظ می‌کند و به رفاه آتی کودکان شان می‌انجامد. البته وقتی کودک بزرگ شد باید آزادی کامل در انتخاب دین اش داشته باشد بی توجه به این که پدر و مادرش چه می‌خواهند.

از توفیق مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰
خطاب به یکی از محافل روحانی ملی [62]

روابط خانوادگی هر چند هم عمیق باشد، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که روابط روحانی بسیار عمیق تر است، این روابط جاودانی بوده پس از مرگ هم ادامه دارد. در حالی که روابط جسمانی بدون پیوندهای روحانی محدود به همین حیات جسمانی است. شما باید هر چه در توان دارید، از طریق دعا و سرمش رفتار، چشمان خانواده را نسبت به دیانت بهائی باز کنید اما نباید از رفتاشان ناراحت شوید. به برادران و خواهران بهائی خود که در ملکوت الهی زندگی می‌کنند توجه کنید.

هیچ همبازی همسن و سال این کودکان در اطراف ما نیست به نظر می رسد اعتراض اصل این است که مطابق آثار مبارکه مادر تا ۷/۶ سالگی فرزندان مهم ترین مربی است بالطبع، ما علاقمند به بهترین روش ممکن هستیم و نیازمند کمک شما هستیم.

درحقیقت، احباء هنوز کاملاً نیاموخته اند که برای قوت و تسلای خاطر در وقت نیاز از محبت یکدیگر بهره برند. امر الهی دارای قوای فوق العاده ای است و دلیل آن که بهائیان از این امتیاز بهره نمی برند آن است که آنان خوب نیاموخته اند از این قوای بسیار نیرومند محبت و قوت و هماهنگی ناشی از امر مبارک استفاده نمایند.

از توقیع مورخ ۸ می ۱۹۴۲
خطاب به یکی از احباء [63]

در مورد بیان مبارک حضرت ولی امرالله که مهاجرت مشروط به رضایت والدین است و این که باید موافقت نمایند پرسیده اید آیا این قاعده برای کودکانی که به سن قانونی رسیده و آنان که نرسیده اند هر دو، قابل اجراست. پاسخ حضرت ولی امرالله این است که این قاعده برای کودکانی که به سن قانونی رسیده و آنان که نرسیده اند هر دو قابل اجراست. پاسخ حضرت ولی امرالله این است که این قاعده فقط در مورد کسانی صادق است که هنوز به سن رشد قانونی نرسیده اند.

از توقیع مبارک ترجمه از فارسی
مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۴۳
خطاب به محفل روحانی ملی [64]

حضرت بهاءالله به روشنی فرموده اند رضایت تمام والدین که حیات دارند برای ازدواج بهائی لازم است. این مطلب صادق است چه پدر و مادر بهائی باشند یا نباشند، طلاق گرفته باشند یا نباشند. این قاعده مهم برای تقویت تارو پود جامعه، پیوند نزدیک تر در خانواده و قدر شناسی و احترام قلبی کودکان نسبت به کسانی است که به آن ها زندگی بخشیده اند و روح شان را در مسیر سفری جاودان به سوی خالق شان قرار داده اند اما بهائیان باید بدانیم که در جامعه امروز جریانی متضاد وجود

دارد، جوانان کمتر به علائق والدین شان اهمیت می دهند، طلاق امری طبیعی به حساب می آید و به دلائل بسیار ضعیف جزئی صورت می پذیرد. ازدواج هائی که از هم جدا می شوند. به خصوص آن ها که قیومیت کامل فرزندان را دارند. اهمیت همسر را در ازدواج، که آن ها هم به عنوان همسر مسئول پرورش کودکانی هستند که موجب تولدشان شده اند، دست کم می گیرند. بهائیان باید از طریق تمسک شدید به قوانین و تعالیم بهائی با این نیروهای ویرانگر مبارزه می کنند. که به سرعت حیات خانواده و زیبایی روابط آن ها را تخریب می کنند و ساختار اخلاقی جامعه را فرو می ریزند.

از توابع مبارک مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷
خطاب به محفل روحانی ملی [65]

فرزندان تا پانزده سالگی تحت هدایت والدین خود هستند. در پانزده سالگی می توانند ایمان شان را به دیانت بهائی اعلان کنند و به عنوان یک جوان بهائی تسجیل شوند. چه پدر و مادرشان بهائی باشند و چه نباشند. کودکان زیر سن پانزده سال، از پدر و مادر بهائی که مایل به حضور در جلسات و ارتباط با دوستان بهائی هستند می توانند چنین کنند. اگر والدین غیر بهائی به فرزند کمتر از پانزده سال اجازه شرکت در جلسات بهائی را بدهند و در واقع بهائی باشند آن هم مجاز است.

از توابع مبارکه مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۴
خطاب به محفل روحانی ملی [66]

اگر حال پدر و مادران خوب نباشد و حضور شما نزد آن ها واقعاً ضروری باشد، آن وقت نباید آن ها را ترک کنی. اما اگر خویشاوند دیگری باشد که بتواند مراقب آن ها باشد آن وقت می توانید در کار خدمات در... کمک کنید و به احباء در استقرار امر مبارک بر مبنائی مستحکم در آن جا بکوشید.

از توفیق مبارک مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۵۵
خطاب به یکی از احباء [67]

مستخرجاتی از دستخط های بیت العدل اعظم

بیت العدل اعظم نامه مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۷ را دریافت کرده که در آن اشتیاق خود و شوهرتان را به رشد فرزندان تان به عنوان حامیان فعال امر مبارک ابراز داشته اید و پرسیده اید که آیا از نظر مسئولیت های پدر و مادر بهائی در زمینه مهاجرت رنج هائی که ممکن است بر اثر تعهدات پدر و مادر در خدمت به امر مبارک بر فرزندان وارد آید به نحوی قابل جبران خواهد بود یا خیر.

بیت العدل اعظم در این مورد به نکات ذیل اشاره فرموده اند :

در این باره مهم این است که واقعیت وحدت خانواده و سهم کودکان را در فعالیت های جاری خانواده در نظر آوریم... همچنین باید توجه داشته باشیم که کودک از همان دوران طفولیت موجود آگاه و متفکری است، یک عضو خانواده با وظائف خاص خود و می تواند برای امر مبارک به شیوه های گوناگون فداکاری نماید. پیشنهاد می شود که کودکان باید به این احساس برسند که به آن این افتخار داده شده در تصمیمات مربوطه به خدمات والدین شان مشارکت نمایند و با قبول آن خدمات با پیامدهای مطلوب در زندگی خودشان تصمیم آگاهانه خود را بگیرند. در واقع کودکان باید به این درک برسند که آرزوی پدر و مادرشان تعهد چنین خدماتی با حمایت فرزندان با تمام وجود است.

از دستخط مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۷
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [68]

بیت العدل اعظم نامه شما به تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۲ را دریافت کردند که در آن اشتیاق خود را به انجام مسئولیت های خود به عنوان مادر در هدایت درست فرزندان و توانا ساختن آن ها در حمایت کامل از امر جمال مبارک بیان کرده بودید. از ما خواسته شده نکات ذیل را به شما منتقل نمائیم...

بیت العدل اعظم با شما هم عقیده اند که فرزندان از بعضی از خانواده های والدین بهائی متمسک به امر مبارک از جامعه بهائی خارج شده اند. متأسفانه مواردی وجود داشته که در آن والدین به امر مبارک خدمت کرده اند اما فرزندان و وحدت خانواده از بین رفته است...

در آثار مبارکه اشارات بسیار راجع به هدایت والدین در مورد فرزندان وجود دارد. شاید مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی را خوانده باشید...

این مجموعه شامل بسیاری اشارات راجع به اهمیت وحدت خانواده است. اگر کودکان در خانواده هائی پرورش یابند که شاد و متحد است جائی که افکار و اعمال در جهت مواضع روحانی و پیشرفت امر مبارک است، دلیل کافی وجود دارد که باور کنیم کودکان صفائی ملکوتی می یابند و مدافعان امر مبارک خواهند شد.

امید چنان است که مطالب فوق به شما کمک کند و اطمینان بخشد و شما را قادر به انجام تکالیف مادری با سرور و اعتماد نماید. در مقام والدینی، مانند بسیاری دیگر از زمینه های فعالیت انسانی. ما فقط حداکثر کوشش مان را به کار می بریم و می دانیم که قادر به تحقق کامل معیار های مورد نظر نیستیم اما اطمینان داریم که خداوند نفوسی را که در راه پیشرفت امرش می کوشند تأیید می فرماید به دعاهایمان پاسخ می دهد و نقائص را جبران می فرماید.

از دستخط مورخ ۲۹ مارس ۱۹۸۲
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [69]

بیت العدل اعظم نامه مورخ ۱۴ سپتامبر 1982 از طرف شما در مورد نقش محافل روحانی محلی در هدایت والدین و کودکان درباره معیارهای رفتار برای کودکان در مجامع جامعه، مثل ضیافت نوزده روزه و رعایت ایا محرمه بهائی، دریافت نموده است.

... بیت العدل اعظم از ما خواسته اند به شما بگوئیم که کودکان باید بیاموزند اهمیت روحانی مجامع پیروان جمال مبارک را درک کنند و شرافت و موهبت توانائی شرکت در آن ها را دریابند. شکل ظاهری آن ها هر چه باشد به نظر می رسد برخی از جلسات طولانی است و سکوت طولانی خردسالان مشکل است. در چنین مواردی یکی از والدین می تواند از قسمتی از برنامه های جلسه بگذرد تا بتواند از کودک خردسال مراقبت نماید.

همچنین محفل روحانی می تواند با تدارک اطاق مراقبت از کودکان در محل جلسه به پدر و مادران کمک کند در این صورت شرکت در مراسم بزرگسالان نشانه ای از رشد مداوم و امتیاز می شود که با رفتار مطلوب حاصل می شود.

در هر حال بیت العدل اعظم خاطر نشان می سازند که والدین مسؤل کودکان شان هستند و هنگام حضور در جلسات بهائی باید آن ها را وادار به رفتار درست نمایند. اگر کودکان در ایجاد مزاحمت اصرار کنند باید از جلسه خارج شوند. نه تنها تأمین نظم و ترتیب جلسات بهائی ضرورت دارد بلکه جنبه ای از پرورش فرزندان در ادب ملاحظه احوال دیگران، احترام و اطاعت از والدین است.

از دستخط مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲

از طرفیت العدل اعظم
خطاب به محفل روحانی ملی [70]

هیچ توضیح مفصلی در آثار مبارکه راجع به نکاتی که در بیان مبارک حضرت عبدالبهاء است و شما در نامه خود به آن ها اشاره کرده اید دیده نشده است. این بیان مبارک باید در زمینه کلی لوح مبارک فهمیده شود که این قسمت از آن استخراج شده است (۷) در اینجا تأکید بر لزوم تربیت اطفال از ابتدای عمر آن هاست تا بتوانند از مشاغل حیات پس از بلوغ برآیند و درباقای قواعد یک جامعه متعادل و پیشرفته شرکت نمایند. هم چنین بر عواقب وخیمی که ممکن است بر اثر غفلت از این الزامات تربیتی پدید آید. در جامعه ای که کاملاً با قوانین و احکام حضرت بهاء الله اداره می شود درک چارچوبی که در آن این الزامات حداکثر تأثیر را ایجاد کند آسان تر خواهد بود.

باید توجه داشت که بیان مبارک حضرت عبدالبهاء به فعالیت های دیگران اشاره دارد و به کوشش های خود فرد برای تعلیم و تهذیب اشاره ای ندارد. خوشبختانه در آثار مبارکه نوید های گوناگون از مواهب این امر مبارک وجود دارد که شامل حال نفوس خطا کار می شود و ما از حیات قهرمانان امر مبارک و افراد عادی از نیروی ایمان به خداوند در تغییر رفتار شواهد لازمه را داریم، همان طور که می دانید، مقصد اساسی ظهور مظاهر الهی تقلیب نفوس و از آن طریق تقلیب کل جامعه است. بنابراین مظهر امرالله حدود و احکامی را تأسیس می فرماید که موجب تغییراتی اساسی می گردد. هدف آرمانی به تدریج از طریق کوشش فردی آزمایش و خطا و بیش از همه ایمان راسخ به خداوند تحقق می یابد.

از دستخط ۴ ژوئن ۱۹۸۴
مرقومه بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [71]

۷. بیان مبارک حضرت عبدالبهاء به شرح ذیل است: "تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود" رجوع شود به منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء پاراگراف ۱۱۱/۷

در مورد سوال شما راجع به این که آیا مادران باید خارج از خانه کار کنند یا خیر، لازم است این موضوع از نظر مفهوم خانواده بهائی بررسی شود. این مفهوم بر مبنای این اصل است که مرد مسئولیت اساسی حمایت مالی خانواده را دارد و زن مربی اصلی فرزندان است. این مطلب ابداً به آن معنا نیست که این وظایف قابل انعطاف نیست و نمی تواند مطابق شرایط خاص خانواده تغییر و تبدیل یابد و نیز بدان معنا نیست که جای زن فقط در خانه است بلکه با وجود اختصاص مسئولیت اصلی هر یک از والدین پدر نقش عمده ای در تربیت فرزندان دارد و مادر هم می تواند از لحاظ مالی به خانواده کمک کند. همان طور که اشاره کرده اید حضرت عبدالبهاء زنان را تشویق به مشارکت کامل در امور عالم می فرمایند.

در مورد میزان وقتی که مادر می تواند بیرون از خانه کار کند این امر بستگی به شرایط موجود در خانه دارد که می تواند متفاوت باشد. مشورت خانوادگی می تواند پاسخ لازم را فراهم آورد در مورد این که آیا دوره های آموزش حرفه ای می تواند انعطاف بیشتری داشته باشد. بیت العدل اعظم می فرمایند شرایط آتی چنین موضوعی را روشن خواهد کرد.

از دستخط ۹ اوت ۱۹۸۴
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [72]

به نظر می رسد متحرّی مورد شما درباره تعلیم بهائی راجع به مسئولیت والدین برای تربیت فرزندان دچار سوء تفاهم شده است. مطمئناً پدر نقش بسیار مهمی در تربیت فرزندان دارد. در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاءالله می فرمایند:

"کتب علی کلّ ربّ تربیة ابنه و بنته بالعلم و الخط و دونها عمّا حدّد فی اللوح... ان الذی ربّی ابنه او ابناً من الابناء کأنه ربّی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی التّی سبقت العالمین.

کتاب مستطاب اقدس.

اهمیت بسیاری که به نقش مادر داده می شود ناشی از این واقعیت است که اول مربی طفل مادر است. طرز فکر مادر، دعاها و حتی چیزی که می خورد و شرایط جسمانی او تأثیر بسیار بر

جنین دارد. وقتی نوزاد به دنیا می آید این مادر است که به نوزاد شیر می دهد که موهبت خداوند است و مقصد این است که در صورت امکان با نوزاد بماند و در روزها و ماه های اول او را پرورش دهد البته این بدان معنا نیست که پدر هم به نوزاد محبت نکند و برای او دعا نمی کند و از او مراقبت نمی نماید اما از آنجا که مسئولیت اساسی او حمایت مالی از خانواده است وقت او برای بودن با طفل معمولاً محدود است در حالی که مادر معمولاً طی این دوران رشد سریع بسیار نزدیک به نوزاد است، رشد و تکاملی که سریع تر از تمام دوران های عمر کودک است. هر چه کودک بزرگ تر و مستقل تر می شود ماهیت نسبی ارتباط او با مادر و پدرش تغییر می کند و پدر می تواند نقش بیشتری ایفا کند.

شاید مفید باشد که به متحرّی تان بگوئید که اصل تساوی بین زن و مرد به روشنی در تعالیم مبارکه بیان گردیده است و این واقعیت که تکالیف متفاوتی بر عهده هریک از آن هاست در برخی زمینه هاست به معنای نفی دین اصل نیست.

از دستخط مورخ ۲۳ اوت ۱۹۸۴
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از ارباب [73]

بیت العدل اعظم کاملاً از رنج هایی آگاهند که مادران تنها تحمل می کنند که تمام مسئولیت را برای پرورش و حمایت فرزندانیشان بر عهده دارند. مقصد دیانت بهائی ایجاد تغییری اساسی در کل مبنای جامعه انسانی است که شامل روحانی ساختن بشریت، نیل به چنان اصول اساسی مانند تساوی زن و مرد است. در نتیجه ثبات ازدواج بیش از پیش خواهد شد و کاهش عمده ای در شرایطی خواهد بود که منجر به فروپاشی ازدواج ها می شود. برای وصول سریع به این هدف جامعه بهائی باید بر جذب قوای روحانی اجتناب ناپذیر برای توفیق آن ادامه دهد، این کار مستلزم تمسک شدید به اصولی است که در تعالیم بهائی آمده با این اطمینان که حکمت این تعالیم به تدریج برای کل بشریت آشکار خواهد شد.

از دستخط مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از ارباب [74]

مواضعی که مطرح کرده اید (۸) به بهترین صورت در ظلّ تعالیم بهائی راجع به روابط خانواده قابل بررسی است. باید روح و احترام و ملاحظه متقابل بین والدین و فرزندان وجود داشته باشد که در آن فرزندان برای نصیحت و هدایت به والدین رجوع کنند و والدین فرزندان خود را پرورش دهند و از آن مراقبت نمایند. ثمره این رابطه آن است که فرزندان با پالایش قوای تشخیص و قضاوت رشد می کنند و طوری بتوانند مسیر زندگی شان را طوری هدایت کنند که به احتمال بیشتر به آسایش و رفاه منتهی شود.

در این چارچوب احترام متقابل، والدین باید با حکمت و هدایت دوستی های فرزندان که ممکن است به ازدواج بیانجامد مورد توجه و دقت قرار دهند. آن ها باید دقیقاً شرایطی را در نظر بگیرند که طی آن توصیه های لازم را بنمایند و شرایط را که ممکن است دخالت بیجا تلقی شود در نظر آورند.

فرزندان هم به نوبه خود باید توجه داشته باشند که والدین شان عمیقاً علاقمند به آسایش ایشان هستند و این که نظرات آن ها شایسته احترام و ملاحظه دقیق است. همان طور که می دانید، انتخاب اولیه شریک زندگی توسط دو فردی انجام می شود که مستقیماً درگیرند و رضایت تمام والدین که در قید حیات اند پس از آن مطرح است و برای تحقق ازدواج ضرورت دارد.

در این مورد هم مانند تمام جنبه های روابط انسانی مشورت در رفع سوء تفاهمات و روشن ساختن آن چه که بهترین مسیر رفتار در ظلّ تعالیم بهائی است ارزش بسیاری دارد.

از دستخط مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از اعضاء [75]

هرچند سهم مادر در پرورش فرزندان بسیار عظیم است اما باید مراقب بود که اهمیت مسئولیتی را که آثار مبارکه بر عهده پدر نهاده است دست کم نگیریم. تمایل از طرف پدران دیده شده که پرورش فرزندان یکسره بر عهده مادران گذاشته اند که توجیهی ندارد و مایلیم روشن شود که تعالیم بهائی چنین نظری را تأیید نمی نماید.

از یادداشتی به تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۹
از طرف بیت العدل اعظم [76]

تبلیغ امرالله بی شک یکی از شایسته ترین اعمال اوست و احباء با تلفیق تبلیغ و مهاجرت اجرای مضاعف دارند. توجه به نیازهای خانواده هم دارای اهمیت روحانی بسیار است و غفلت از رشد و تکامل خانواده برای خدمت به امر مبارک به طریقی خاص مجاز نیست. تبلیغ امر مبارک و برآوردن نیازهای خانواده باید هر دو در مقیاس خدمت به خداوند در یک سطح قرار گیرند اما شرایط خاص خانواده درجه ای را تأمین می کند که هر یک از آنها باید مورد نظر قرار گیرند. مسلم است که فرزندان مهاجران باید در فداکاری های والدینشان در مهاجرت خارج از کشور شرکت کنند. درست همان طور که فرزندان حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در فداکاری هاشان شرکت کرده اند. در عین حال نباید فراموش کرد که فرزندان هم از برکات و نعمات مهاجرت بهره می برند.

از دستخط مورخ ۸ فوریه ۱۹۹۰
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [77]

شما در مورد رفتار با کودکان سوالات متعددی مطرح کرده اید. در آثار مبارکه بهائی آمده است که از عناصر حیاتی تربیت فرزندان ایجاد انضباط است. حضرت ولی امرالله در توقیعی که از طرف ایشان درباره تربیت فرزندان نگاشته شده می فرمایند: انتظام و روش صحیح به هر نوع جسمانی، اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ تربیتی را نمی توان کامل و مفید تلقی نمود مگر آن که این اصل اساسی در آن مرعی گردد. طفل پس از تولد از سر حد کمال بسیار دور یعنی نه تنها ضعیف و بیچاره است بلکه عملاً ناقص و حتی بالطبع متوجه شرور و مفاسد می باشد. بنابراین باید تربیت یابد. تمایلات طبیعی او هماهنگ بل تعدیل و کنترل گردد و در صورت لزوم متوقف و یا منتظم شود تا رشد و نمو جسمانی و ترقی و پیشرفت اخلاقی او تأمین پذیرد. والدین بهائی نمی توانند به سادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت به اطفال خویش در پیش گیرند. خصوصاً اطفالی که بالطبع ناملایم و شدیدند. حتی این امر به تنهایی کافی نیست که ابوبین در حق اطفالشان دعا کنند بلکه باید سعی و همت نمایند که بر کمال ملایمت و شکیبائی شئون اخلاقی را در افکار جوانان شان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مأنوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند تا بمال " فرزندان حقیقی الهی گردند و سکان با وفا و هشیار ملکوت الهی بیاریند.

از توقیع مورخ ۹ جولای ۱۹۳۹

که از طرف ولی امرالله به یکی

از احباء نگاشته شده است. [78]

در حالی که انضباط جسمانی فرزندان بخش قابل قبولی از تعلیم و تربیت آنان است، چنین اعمالی باید " به کمال ملایمت و شکیبائی " و " با مهارت و توجه عاشقانه " انجام شود که بسیار متفاوت از خشم و خشونت است که در برخی از نقاط جهان که طی آن کودکان تنبیه بدنی می شوند و مورد سوء رفتار قرار می گیرند وجود دارد. رفتاری چنین نامطلوب با کودکان درحقیقت انکار حقوق انسانی آن ها و خیانت به اعتمادی است که ضعیفان باید به اقویا در یک جامعه بهائی داشته باشند.

تصوّر انحراف بیشتر در رفتار انسان مانند سوء استفاده جنسی از کودکان بسیار مشکل است که بدترین شکل آن زنای با محارم است. در زمانی از تاریخ بشریت که به فرموده حضرت ولی امر الله " انحراف طبیعت انسان، تنزّل رفتار بشر، فساد و انحطاط موسسات انسانی به بدترین شکل آشکار شده است، در زمانی که " ندای وجدان انسان خاموش شد ه " و وقتی که " تواضع و حیا فراموش شده " موسسات بهائی باید درتعهد نسبت به حفظ کودکان تحت مراقبت خویش هشیار و سازش ناپذیر باشند و نگذارند بیم و امید مصلحت اندیشی آنان را از اجرای وظایف خود باز دارد. همسری که می داند همسرش از کودکی سوء استفاده جنسی می کند نباید ساکت بماند بلکه باید با کمک محفل روحانی یا د رسوت لزوم مقامات دینی تمام اقدامات لازم را بنماید تا فوراً این رفتار بسیار خلاف اخلاق متوقف شود و شفا و درمان صورت پذیرد.

حضرت بهاء الله برای وظائف والدین نسبت به فرزندان شان اهمیت بسیار قائل اند و از فرزندان هم می خواهند از صمیم قلب سپاسگزار والدین شان باشند و باید بکوشند برای کسب رضای خداوند رضایت آنان را جلب نمایند. لیکن اشاره فرموده اند تحت برخی شرایط، ممکن است والدین در نتیجه اعمال خود از حق خود محروم گردند. بیت العدل اعظم این حق را دارد که در این مورد قانونی وضع نماید. در حال حاضر تصمیم شان بر این است که تمام موارد که در آن رفتار یا شخصیت والدین سبب اسقاط حق والدینی برای رضایت دادن در ازدواج فرزند گردد. باید به بیت العدل اعظم ارجاع شود مثلاً چنین سوالاتی وقتی مطرح می شود که والد مرتکب زنای با محارم شده باشد یا وقتی که در نتیجه تجاوز به وجود آمده باشد یا وقتی که پدر یا مادر آگاهانه در برابر سوء استفاده جنسی از فرزندش حمایت نکند.

از دستخط مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳

از طرف بیت العدل اعظم

خطاب به یکی از احباء [79]

... با این که کودکان بهائی به طور خودکار دیانت والدینشان را به ارث نمی برند، پدر و مادر مسئول پرورش و آسایش روحانی فرزندان شان هستند. بنابراین والدین بهائی باید بکوشند از همان اوان طفولیت او را با شناخت و محبت خداوند آشنا کنند و سعی کنند کودکان را به اطاعت قلبی از نصائح و حدود و احکام حضرت بهاء الله هدایت نمایند. از جمله شناخت و محبت کلیه مظاهر الهی، معاشرت با پیروان جمیع ادیان، دوستی با تمام افراد بشر و اهمیت تحرّی حقیقت است. بنابراین طبیعی است که فرزندان بهائیان را بهائی بدانیم مگر این که خلاف اش ثابت شود. با این زمینه آگاهی و درک، هر کودک آماده تر است که به روشنی بیندیشد و قضاوت کند که درس بلوغ یا زندگی بزرگسالی از چه مسیری پیروی نماید.

از دستخط مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۴
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [80]

در آثار مقدسه بهائی تأکید بسیار بر اهمیت وحدت خانواده و مسئولیت بزرگی شده که فرزندان نسبت به والدین و والدین نسبت به فرزندان دارند. در این مورد، بهائیان به اطاعت از والدین مأ مورند... یکی از مهم ترین اصول امر مبارک اصل اعتدال در تمام امور است و حتی فضائل هم در صورت افراط و عدم تعادل با فضائل مکمل دیگر می تواند موجب صدمات بسیار شود. برای مثال، کودک نباید از دستور پدر و مادر برای ارتکاب گناه اطاعت کند. به علاوه در بزرگ کردن هر حکم به تنهائی از اصول اساسی زیر بنائی یا از احکام دیگر خطرانی وجود دارد. همان گونه که حضرت عبدالبهاء می فرمایند وحدت خانواده اهمیتی اساسی دارد اما باید با حقوق اعضای دیگر خانواده متعادل شود.

به موجب تعالیم حضرت بهاء الله خانواده که یک واحد انسانی محسوب است باید طبق اصل تقدیس و احترام تعلیم و تربیت یابد و جمیع فضائل و کمالات به وی القاء گردد. تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی پیوسته مورد توجه دقیق قرار گیرد و حقوق و شئون اعضاء کل محترم و محفوظ باقی ماند. حقوق فرزندان، حقوق پدر و مادر هیچ یک از آن ها نباید پایمال شود و معرض تخطی و تجاوز واقع گردد و در عین حال هیچ یک نباید جنبه انفرادی و مطلق اختیار نماید. همان طور که فرزند نسبت به پدر خویش دارای پاره ای تعهدات است، پدر نیز به همان قرار صاحب وظائفی است که باید در حق فرزند مجری دارد. مادر، خواهر و دیگر اعضاء عائله نیز هر یک دارای حدود و مقامات مخصوصه اند. جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد و در عین حال وحدت و یگانگی خانواده محفوظ و لن یتغیر باقی ماند. ناراحتی هر یک باید ناراحتی عموم تصور شود و

راحت و آسایش هر عضو راحت و آسایش اعضاء دیگر و بالاخره اعتلاء و افتخار بر فرد اعتلاء و افتخار سایر افراد تلقی گردد.*

مجموع آثار مبارکه درباره
تربیت بهائی. مرکز جهانی بهائی
اوت ۱۹۷۶

اصل اساسی دیگر که در درک و شیوه بهائی نسبت به الزامات اطاعت نسبت به والدین تأثیر دارد تشویق به مشورت در تمام امور است. به فرموده حضرت عبدالبهاء، مشورت در واقع " یکی از عناصر اساسی احکام الهی است ". اگر از طریقه مشورت، فرزند، پدر، مادر بتوانند درک شان را از نظرات همدیگر عمیق تر نمایند و به وحدت افکار و مقاصد برسند آن وقت از تعارضات درباره اطاعت می توانند بپرهیزند. با توجه به بحث شما از رابطه بین اطاعت والدین از یک طرف و ابراز وجود، آزادی و رشد روحانی از طرف دیگر، بیت العدل اعظم در آن جنبه دیگری از مطلب شما را مورد نظر قرار می دهند. با این که افراد مسئول اعما و رشد و تکامل روحانی شان هستند، اما این افراد در خلاء زندگی نمی کنند، بلکه بخشی از خانواده و جامعه خویشند تصمیم به گذشت از خواست های شخصی به نفع والدین یا موسسات بهائی، مراجع مدنی، و یا قانون، جلوه ای از اختیار انسان است نه منع آن، کودک با انتخاب اطاعت می تواند در وحدت خانواده و از آن رو در پیشرفت امر مبارک مشارکت نماید.

از دستخط مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۷
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [81]

* انتشار صلح عمومی : خطابات حضرت عبدالبهاء طی سفر ایشان به ایالات متحده و کانادا در ۱۹۱۲ نشر دوم (

ویلنت، موسسه مطبوعاتی بهائی، ۱۹۸۲) ص ۱۶۸

فرزندان ما باید از لحاظ روحانی پرورش یابند. در حیات جامعه امر مبارک وارد شوند. آن‌ها نباید غرق دنیائی شوند که مملو از مخاطرات اخلاقی است در وضع موجود اجتماع، کودکان با سرنوشتی ستمگر مواجه اند. میلیون‌ها تن در جامعه‌های گوناگون عالم در جای درست خود قرار ندارند. کودکان از پدر و مادر و سایر بزرگسالان فاصله می‌گیرند چه فقیر باشند و چه غنی. ریشه این بیگانگی در خودخواهی ناشی از ماده پرستی است که هسته مرکزی عدم اعتقاد به پروردگار هستی است که دل‌های مردمان را در همه جا در تسخیر خود دارد. سر در گمی اجتماعی کودکان زمان ما نشانه روشنی از جامعه در حال انحطاط است، اما این شرایط محدود به هیچ نژاد، طبقه، ملت یا شرایط اقتصادی نیست بلکه شامل همه آن‌هاست. قلب ما به درد می‌آید وقتی که می‌بینیم در بسیاری از نقاط عالم کودکان به عنوان سرباز استخدام می‌شوند، به عنوان کارگر استثمار می‌شوند، به عنوان برده به فروش می‌رسند، وادار به فحشاء می‌شوند، موضوع هرزه نگاری قرار می‌گیرند، توسط والدینی رها می‌شوند که خود غرق هوی و هوس خویشند و قربانی موارد بسیاری می‌شوند که بیش از آنند که ذکرشان به میان آید. بسیاری از چنین مصیبت‌ها توسط خود والدین آن‌ها بر سر فرزندان شان می‌آید. آسیب‌های روانی و روحانی حاصل بیرون از شمار است. جامعه جهانی ما هم از عواقب این شرایط نمی‌تواند بگریزد. درک این مطلب باید همه ما را به کوشش فوری و مداوم در جهت منافع فرزندان و آینده آن‌ها را دارد...

کودکان ارزشمندترین گنجینه‌ای هستند که هر جامعه‌ای می‌تواند داشته باشد چون که نوید و ضمانت آینده آن‌ها هستند. آن‌ها حامل بذره‌های شخصیت اجتماع آینده اند که تا حدودی توسط آن‌چه بزرگسالان جامعه در مود کودکان انجام می‌دهد یا نمی‌دهد شکل می‌گیرد. آن‌ها امانتی هستند که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون مجازات از آن غفلت نماید. محبتی همگانی برای کودکان، شیوه تربیتی آنان، کیفیت توجه به آن‌ها، روح رفتار بزرگسالان نسبت به آن‌ها تمام این‌ها از جنبه‌های اساسی نگرش ضروری است. محبت مستلزم انضباط است نه این که آن‌ها را به هوس‌های خودشان واگذاریم یا خود آن‌ها را به حال خودشان رها کنیم باید فضائی ایجاد شود که در آن کودکان احساس کنند به جامعه تعلق دارند و در اهداف آن شریک اند. آن‌ها باید در کمال محبت و مداومت به رعایت معیارهای بهائی هدایت شوند، امر مبارک را به شیوه‌های مقتضی مطالعه و تبلیغ نمایند.

و اکنون مایلیم کلامی چند خطاب به والدین بگوئیم که مسئولیت اساسی پرورش فرزندان را دارند. از ایشان می‌خواهیم که به تربیت روحانی کودکانشان توجه مداوم داشته باشند. به نظرمی رسد برخی از والدین می‌اندیشند که تربیت روحانی مسئولیت انحصاری جامعه است، عده‌ای دیگر بر این اعتقادند که برای حفظ استقلال کودکان در تحرّی حقیقت نباید تعالیم بهائی به آن‌ها آموزش داده شود و

هم چنان برخی دیگر خود را برای انجام این وظیفه ناتوان می بینند. هیچ یک از این موارد درست نیست سرکار آقا می فرمایند: " بر پدر و مادر عین است که در تربیت دختران و پسران نهایت کوشش را بنمایند." و اگر از این امر غفلت نمایند مسؤلند و نزد رب غفور مردود." والدین مستقل از سطح تحصیلات در رشد روحانی فرزندشان تکلیفی خطیر دارند. والدین هیچ گاه نباید توانائی خود را در تشکیل شخصیت اخلاقی فرزندان شان دست کم بگیرند. چون که آن ها از طریق محیط خانه ای که آگاهانه محبت الهی را ایجاد می کند کوشش ایشان در تمسک به احکام الهی، روح خدمت به امرالله، فقدان تعصب جاهلی و رهائی از آثار مخرب غیبت، تأثیری اجتناب ناپذیر بر فرزندان دارند. هر پدر مادری که معتقد به جمال قدم است مسؤل است طوری رفتار کند که اطاعت بی اختیار نسبت به والدینی را سبب شود که آن هم در آثار مبارکه مورد احترام است. البته علاوه بر کوشش هائی که بر عهده خانواده است، والدین باید از کلاس های درس اخلاق که توسط جامعه تشکیل می شود حمایت کنند. همچنین باید توجه داشت که کودکان در جهانی زندگی می کنند که از طریق تجربه مستقیم با واقعیت های ناخوشایندی روبرو می شوند که از قبل توصیف شده یا آن چه که از وسایل ارتباط جمعی انتشار می یابد بسیار از آن ها مجبور به رشد می شوند و از بین آن ها کسانی هستند که در جستجوی معیارها و انضباطی هستند که توسط آن زندگی خود را پیش برند. کودکان بهائی در برابر این زمینه تاریک جامعه منحط مظهر آینده ای بهتر و روشن تر باشند.

از پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم
خطاب به عالم بهائی [82]

پیشبرد زندگی خانوادگی

مستخرجاتی از آثار مبارک حضرت بهاء الله

خوشا به حال خانواده ای که مظهر رحمت من است. که در آن یاد من است. که محبوبان من در آن حاضر می شوند که نعمت مرا می گویند، به حبل رحمت تمسک می جویند و آیات مرا می خوانند. در حقیقت مقام شان منیع است که خداوند در قیوم الاسماء و آثار مبارکه توصیف فرموده است. اوست سمیع و مجیب و اوست مُدرِّ کِبِ کل.

(ترجمه)

از الواح مبارکه حضرت بهاء الله [83]

رأس الهمة هو انفاق المرء على نفسه و على اهله والفقراء من اخوته في دينه.

رأس التجارة هو حبي به يستغمی كل شیء عن كل شیء و بدونه یفتقر كل شیء عن كل شیء و هذا ما رُقِمَ من قلم عز منیر

لوح اصل كل الخیر [84]

شک نیست آن چه از قلم الهی نازل شده، اعم از اوامر و نواهی به سود خود احیاست. از جمله اوامر حقوق الله است. اگر ناس موفق به پرداخت حقوق شوند حق جل جلاله یقیناً برکت عنایت می فرماید. به علاوه، این پرداخت آن ها و فرزندان ایشان را قادر به بهره بردن از تملکات شان می نماید. ملاحظه نمائید عمده ثروت ناس از دست شان می رود چون که خداوند بیگانگان یا وارثان که بیگانگان بر آن ها ترجیح دارند، بر اموال شان مسلط می شوند. حکمت بالغه الهیه بالاتر از توصیف و ذکر است. مردم با چشم خود می بیند اما باور نمی کنند، می دانند اما وانمود می کنند که نمی دانند. اگر احکام الهی را اجرا می کردند به خیر دنیا و آخرت نائل می شدند.

(ترجمه)

از الواح مبارکه [85]

مستخرجاتی از آثار و بینات مبارکه حضرت عبدالبهاء

از خدا می خواهیم به لطف خویش خانه ات را مرکز نشر انوار هدایت الهی و انتشار کلام خداوند و اشتعال نار محبت در قلوب عباد الرحمن و اماء الله فرماید. مطمئن باشید هر خانه ای که در آن نعمت پروردگار به ملکوت جلال برسد خانه ای آسمانی است و بهشت شادمانی در جنت الهی است.

از الواح مبارکه [86]

اگر در خانواده ای محبت و الفت باشد، آن خانواده پیش می رود، نورانی و روحانی می شود؛ اما اگر دشمنی و نفرت باشد امار و نفاق قطعی است.

انتشار صلح عمومی [87]
خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء طی دیدارشان از ایالات
متحد و کانادا در ۱۹۱۲، با تجدید نظر (ویلنت، موسسه
نشر مطبوعات بهائی ۱۹۸۲)، ص ۱۴۴-۱۴۵

ملل عالم را با اعضای خانواده مقایسه نمایند. یک خانواده ملتی است کوچک. دایره خانواده را بزرگ کنید و ملت را مشاهده می کنید. دایره ملت ها را بزرگ کنید آن وقت همه بشریت را دارید. شرایط محیط برخانواده محیط بر ملت است. اتفاقات در خانواده اتفاقات در زندگی ملت است. اگر بین اعضای خانواده اختلاف بیفتد، همه در حال جنگ باشند، در غارت یکدیگر بکوشند، حسود و انتقامجو باشند و به دنبال منافع شخصی خود باشند، آیا به پیشرفت خانواده می انجامد؟ ابداً، این کارها سبب جلوگیری است پیشرفت و تقدّم خانواده می شود. در مورد خانواده بزرگ ملت هم همین است چون که ملت ها فقط مجموعه ای از خانواده ها هستند. بنابراین همان طور که اختلاف و تشتت سبب تخریب خانواده می شود و از پیشرفت آن جلوگیری می کند ملت هم تخریب می شوند و پیشرفت متوقف می گردد.

انتشار صلح عمومی
خطابات حضرت عبدالبهاء
طی دیدار از ایالات متده و کانادا در ۱۹۱۲ ص ۱۵۷ [88]

با تمام دوستان و خویشاوندان خویش و حتی بیگانگان با روح محبت و مهربانی برخورد نمائید.

از الواح مبارکه [89]

محزون مباش، طوفان حزن و اندوه در گذر است؛ اسف پایدار نمی ماند، نومییدی تمام می شود؛ نار محبت الله شعله می گیرد و خار و خاشاک غم و نومییدی از میان می رود! مسرور باش؛ مطمئن به الطاف جمالقدم باش، تا شک و تردید نابود شود و نیشان رحمت بر ارض جرزہ بیارد!

اگر دوستان و خویشاوندان از تو دوری می گزینند، غم مخور که خدا با توست. تا می توانی با آنان معاشرت نما، با بیگانه و آشنا مهربان باش، صبر و تحمل کن. هر چه با تو مخالفت نمایند، عدل و انصاف بیشتری نشان بده، هر چه نفرت و مخالفت نشان دهند، صداقت و دوستی صلح بیشتری ارزانی نما.

الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء عباس
(نیویورک لجنه نشر معارف بهائی)
جلد ، ص ۵۵۷-۵۵۸ [90]

ای برادران مهربان که در سبیل رضای دوست مشی می نمائید. شکر خدا را که برادری جسمانی و روحانی را با هم آمیخته اید و ظاهر شما حکایت از باطن تان دارد و حقیقت درون را می نمایاند. حلاوت این برادری سبب طراوت روح می شود و نفحات این خویشاوندی قلب را مسرور می نماید. شکر خدا را که چون طیور شکور در رضوان الهی لانه و آشیانه ساخته اید. لهذا پیوسته در رضوان مرحمت در ملکوت ابهی بر شاخسار موهبت هستید. این است الطاف بی پایان و نعمات مستدام. شکر خدا را که عنایات فراوان و توفیقات ابدع ابهی نصیب تان گردیده است.

(ترجمه)
از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [91]

بشارت قلوب الهی را به مسامع جهانیان برسانید، کلام خداوند را انتشار دهید و به نصایح و میثاق الهی عمل نمائید؛ یعنی با چنان صفات و کمالاتی قیام کنید که پیوسته به تن عالم جان بخشید و اطفال

عالم را به مرتبه بلوغ و کمال برسانید. در کمال قوت در هر محفل به نار محبت الله بسوزید، قلوب را در نهایت محبت مسرور و شادمان سازید، به آشنا و بیگانه محبت نمائید، اگر نفسی جدال نماید صلح نمائید؛ اگر تقبیح نماید تحسین کنید، زهر دهد شهد بخشید؛ خار شود، گل و ریاحین شوید.

شاید با این اعمال و اقوال این جهان تاریک نورانی شود، جهان خاک عالم پاک شود و این زندان ظلمانی، ایوان یزدانی شود، جنگ و خونریزی از میان برخیزد؛ و محبت و ایمان، خیمه وحدت بر اعلی قلل عالم برافرازد.

الواح مبارکه حضرت عبدالهء عباس
جلد ص ۵۰۳-۵۰۴ [92]

هر انسان ناقصی خود پرست و در فکر راحت و منفعت خویش است. چون یک قدری فکرش اتساع یابد در فکر راحت و خاندانش افتد. اگر فکرش اتساع بیشتر یابد در فکر سعادت اهل شهرش افتد و چون افکار متسع بیشتر شود در فکر عزت وطن و ملتش افتد و چون افکار اتساع تام یابد و به منتهی درجه کمال رسد در فکر علویت نوع انسان افتد. خیر جمیع خلق طلبد و راحت و سعادت جمیع ممالک را این دلیل بر کمال است.

منتخبات مکاتیب حضرت عبدالهء
شماره ۳۴ [93]

ای پروردگار در این دور اعظم شفاعت فرزندان را برای پدر و مادرشان قبول می کنی و این یکی از نعمات بی پایان این دور مبارک است. پس ای خداوند مهربان رجای این عبادت را در آستان فردانیت پذیر و پدرش را غریق دریای رحمت خویش فرما چون این پسر به خدمت تو قیام نموده و در سبیل محبت تو ساعی و جاهد است. توئی دهنده و بخشنده، و مهربان.

(ادعیه بهائی، منتخباتی از ادعیه نازله از کلک
اطهر حضرت بهاء الله، حضرت باب و حضرت
عبدالهء ص ۶۴ [94])

ای اماء رحمن شکر کنید جمال قدم را که در این قرن اعظم و عصر منور محشور شدید. شکرانه این الطاف این که در عهد و میثاق قوت استقامت بنمائید و به موجب تعالیم الهی و شریعت مقدسه حرکت نموده اطفال را از سن طفولیت از ثدی تربیت کلیه بشر دهید و پرورش نمائید تا اداب و سلوک به موجب تعالیم الهی از سن شیر خواری در طبیعت و طینت اطفال رسوخ تام پیدا نماید. زیرا اول مربی و اول معلم امهاتند که فی الحقیقه مؤسس سعادت و بزرگواری و ادب و علم و دانش و نظافت و درایت و دیانت اطفالند.

منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء

شماره ۹۶ [95]

ای نوگل شکفته در رضوان محبت الهی شکر کن خدا را که از محبوبان او هستی، از ثدی عنایت نوشیدی و در آغوش معرفت اش پرورش یافتی. نهایت آرزوی من این است که امید پدر و مادرت را بر آوری و در رضوان آرزوهای ایشان نخل باسق گردی ثمر شیرین و لطیف درخت آمال شان شوی، به خدمت کلمه الله مشغول گردی و موجب شرف و افتخار امر مبارک گردی.

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء [96]

مستخرجاتی از توقیعات حضرت ولی امرالله

یک خانه حقیقی بهائی حسنی است حصین که امر مبارک می تواند در طرح نقشه های تبلیغی بر آن تکیه کند. اگر... و... همدیگر را دوست دارند و مایل به ازدواج هستند از نظر حضرت ولی امرالله از نعمت خدمت محروم نخواهند شد؛ در واقع چنین اتحادی توانائی شان را در خدمت افزایش می دهد. هیچ چیز زیباتر از این نیست که جوانان بهائی ازدواج کنند و خانه های حقیقی بهائی را بنیان نهند، خانه هائی که حضرت بهاء الله دوست دارند.

از توقیعات مبارکه مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۲
خطاب به یکی از احباء [97]

ایشان از مشکلات خانوادگی شما در دسرها و اضطرابات تان بسیار ناراحت شدند و ایشان مایلند که شما دلسرد نشوید، صبو باشید و به هدایت بی چون و چرا و مدد پروردگار توانا مطمئن گردید. همه ما موانع جزئی مادی خود را در زندگی خود داریم. نمی توانیم کاملاً از این مشکلات خلاص شویم. بهترین کار، پس از این تمام کوشش های ما به جایی نرسید، تمرکز بر آن چیزی است که به تنهایی می تواند به قلب ما سرور و آرامش واقعی بخشد و باید خدا را شکر کنید که به معرفت و قبول امر مبارک نائل شده اید. زیرا امر مبارک، مطمئناً، تنها منشاء سرور و تسلای شما در لحظات رنج و اندوه است. آیا هیچ چیزی ارزشمند تر از تبلیغ امر مبارک وجود دارد؟ این توصیه حضرت ولی امرالله برای شماست و ایشان مایل اند، حتی الامکان مشکلات مادی تان را فراموش کنید و کاملاً بر مطالعه و نشر تعالیم الهی تمرکز نمائید. شما دارای علاقه، شوق، ایثار و توانائی لازم هستید و باعث تأسف است اگر در استفاده کامل از این صفات فوق العاده قصور نمائید.

از توایع مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۳۳
خطاب به یکی از احباء [98]

حضرت ولی امرالله مایلند مخصوصاً از شما بخواهم صبور و مطمئن باشید و بیش از همه در برابر مخالفت و نفرت شوهرتان نهایت محبت و مهربانی را در حق او مرعی دارید. نگرشی صلح آمیز و دوستانه در این موارد نه فقط وظیفه هر فرد بهائی است بلکه مؤثرترین راه کسب همدلی و تحسین مخالفت قبل است. در حقیقت، محبت، قوی ترین اکسیر است که می تواند شریرترین و پست ترین افراد را به نفوسی آسمانی تبدیل نماید. امید داریم نمونه رفتار شما بیش از پیش حقیقت این تعلیم زیبای دیانت بهائی را تأیید نماید.

توقیع مورخ ۶ دسامبر ۱۹۳۵
خطاب به یکی از احباء [99]

پیام حضرت ولی امرالله بر شما این است که پیوسته بکوشید در زندگی خصوصی خود و روابط اجتماعی خویش، زیبایی، طهارت و قدرت خلاقه پیام حضرت بهاء الله را جلوه گر سازید. جوان بهائی امروز باید نمونه ای برای جوانان عالم باشد و باید بالاترین معیارهای رفتار را در زندگی خود بکار برد. هیچ چیز کمتر از این تمسک دقیق، واحد و ملموس به آمال و تعالیم دیانت بهائی توسط هر زن و مرد جوان بهائی نمی تواند توجه و ملاحظه جدی جهان خارج را به آن جلب کند و بر آن مؤثر واقع شود.

از توقیع مورخ ۱۷ مارس ۱۹۳۷
خطاب به یک گروه از جوانان بهائی [100]

شرایطی که توصیف کرده اید در خانواده شما وجود دارد بخصوص آن گونه که تأثیر شدیدی بر برادران و خواهران شما دارد، مطمئناً بسیار اندوهبار است، اما در عین این که عناصری در موقعیت وجود دارد که احساس می کنید قادر به غلبه به آن ها نیستید، نباید همه امیدتان را در بهبود شرایط از دست بدهید. حتی اگر اجرای آن در مدتی طولانی باشد. نگرشی منفعل نسبت به این موقعیت فقط می تواند سبب نومیدی های بیشمار شود. بنابراین باید شهادت به خرج دهید و تا حدی که وسائل و شرایط اجازه می دهد با اطمینان و پشتکار در اصلاح اوضاع خانواده خود بکوشید.

از توقیع مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۴۰
خطاب به یکی از احباء [101]

ایشان متأسف شدند از این که شنیدند... وضعیت ذهنی نا مساعدی دارد. قطعاً او احساس ناراحتی نخواهد کرد اگر دریابد که خانواده اش پذیرای تعالیم الهی نیستند چون که تمام نفوس از لحاظ روحانی آمادگی ندارند در واقع بسیاری از اعضای خانواده های خود پیامبران حتی با نمونه حیات و تشویق مظاهر الهی به مرحله ایمان نرسیدند، بنابراین احباء نباید از این مورد ناراحت شوند، بلکه باید آینده آنان را که دوست دارند به خدا بسپارند و با خدمات ایثار نسبت به امر مبارک حق استغاثه از خداوند را برای تولد دوباره ایشان حفظ نماییم.

از توابع مبارکه مورخ ۹ مارس ۱۹۴۲
خطاب به یکی از احباء [102]

ازدواج بین دو نفر، زنده به پیام الهی برای این عصر، وقف خدمت به امر مبارک و فعال در بهبود وضع بشر، می تواند نیروئی معتبر در زندگی دیگران و نمونه و الهام برای بهائیان دیگر و نیز غیر بهائیان باشد.

از توفیق مبارک مورخ ۴ اوت ۱۹۴۳
خطاب به دوتن از احباء [103]

حضرت ولی امرالله عمیقاً از نگرش خصومت آمیز برخی از اعضای خانواده شما نسبت به امر مبارک که به خدمت آن قیام کرده اید، متأسف اند و احساس می کنند که باید هر کاری را که در توان دارید بکار برید تا از افزایش دشمنی شان اجتناب نمائید البته بی آن که دیانت تان را رها کنید و از فعالیت تان در جامعه بهائی دست بکشید.

چون که شما نمی توانید از آن ها بخواهید به امر مبارک علاقمند شوند، بهترین کار همان است که سرکار آقا پیوسته در چنین مواردی فرموده اند : آن ها را به خود واگذارید و برای ایشان دعا کنید. حضرت ولی امرالله، هم مطمئناً برای هدایت ایشان دعا می کنند، بسیاری از افراد، پس از مخالفت های شدید با امر مبارک سر انجام با صبر و محبت، طرافت و دعای خویشاوندان و دوستان شان به امر مبارک اقبال نمودند.

از توفیق مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳
به یکی از احباء [104]

ایشان احساس می کنند که شما باید با تمام وجود بیشترین محبت و همدلی را با شوهرتان داشته باشید، اگر زمانی شک داشته باشیم که چگونه به عنوان یک فرد بهائی باید عمل کنیم، باید به حضرت عبدالبهاء توجه نمائیم و حیات مبارک را مطالعه کنیم و از خودمان بپرسیم که ایشان چگونه عمل می فرمودند، چون که ایشان از هر نظر مثل اعلی دیانت بهائی هستند و می دانید چقدر ایشان مهربان بودند و چگونه مهر و محبت ایشان چون نور آفتاب بر همه می تابید. شوهر و فرزند شما باید محبت شما را داشته باشند و به شما فرصتی فوق العاده برای نمایش ایمان تان به امر مبارک می دهند.

همچنین باید از حضرت بهاء الله بخواهید شما را در اتحاد با شوهرتان توفیق بیشتری عنایت فرماید و خانه شما را خانه شادی حقیقی فرماید.

از توفیق مورخ ۹ مارس ۱۹۴۶
خطاب به یکی از احباء [105]

احساس هیکل مبارک این است که در مورد مشکلات خانوادگی تان باید با محفل روحانی تان مشورت کنید، یکی از وظائف این محافل مشورت و کمک به احباست و این افتخار شماست که به این محفل روحانی رجوع نمائید.

از توفیق مورخ ۹ مارس ۱۹۴۶
خطاب به یکی از احباء [106]

حضرت ولی امرالله مدتهاست که می اندیشند بهائیان... در برخی موارد مطابق معیارهای ازدواجی که حضرت بهاءالله تعیین فرموده اند زندگی نمی کنند. آن ها تحت تأثیر وضعیت کنونی و نگرش خودبینانه افراد نسبت به پیوند زناشویی هستند.

در نتیجه وقتی که می بینند که شما با موفقیت مطابق معیارهای بهائی عمل کرده، نهایت سعی تان را دارید و این پیوند مقدس را با شوهرتان حفظ می کنید، بسیار مسرورند. ایشان امیدوارند شما در این مورد سرمشق خوبی برای دیگران باشید، چون که ایشان، به نام خدمت به امر مبارک از شوهرتان می گذرند و جفت تازه ای می گیرند.

از توفیق مورخ ۲ آوریل ۱۹۵۰
خطاب به یکی از احباء [107]

حضرت ولی امرالله دعا می کنند که مادرتان هم بهائی شوند و در کمال قوت به امر مبارک خدمت نمایند. باید توجه داشت که با تمسک شدید به حیات بهائی مادرتان بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرند تا با مطالعه آثار مبارکه دیانت بهائی وقتی کسی تأثیر تعالیم بهائی را در زندگی دیگران می بیند، تأثیر آن بسیاری اوقات بیشتر است.

از توقیع مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲
خطاب به یکی از احباء [108]

تحقق آمال شخصی ما در زندگی به ندرت سبب سرور ما می شود برعکس بسیاری اوقات این کار آمال تازه ای ببار می آورد از طرف دیگر وقتی ما خود را غرق انجام وظائف خود می کنیم هم به عنوان یک انسان، نسبت به خانواده و دوستان وهم به عنوان افراد بهائی نسبت به امر الهی و خدمت به آن در حداکثر توان خویش در موقعیت های جاری زندگی، آن وقت شروع به درک این مطلب می کنیم که سرور چه معنائی دارد.

از توقیع مورخ ۲۳ ماه می ۱۹۵۶
خطاب به یکی از احباء [109]

حضرت ولی امرالله برای شما، فرزندان آنان و شوهرتان دعا می کنند. حال که همگی در ظلّ امر مبارک متحد شده اید و در کمال سرور با هم فعالیت دارید، بی شک عنایات الهی شامل است و تأییدات روح القدس نصیب شماست. مغناطیس روح القدس خدمت و تبلیغ امرالله است. حضرت ولی امرالله دعا می کنند که هر یک از اعضای خانواده شما در آسمان رضای الهی ستارگان درخشان گردید. مطالعه آثار مبارکه، تفکر بر معانی مندرج در آن، دعا و عمل ضروری است و پس از آن استمرار در عمل درست است. اگر این گام ها درست برداشته شود پیشرفت روحانی حاصل می شود و در خدمت به امر الهی موفق خواهید بود.

از توقیع مبارک مورخ ۵ ژوئن ۱۹۵۶
خطاب به یکی از احباء [110]

شما باید در خانه تان با خانواده تان چنان روح محبت بهائی ایجاد نمائید که قرینه شما را به حقیقت امر مبارک آشنا سازد و فرزندان تان را هم جذب نماید... هماهنگی درخانه مهم ترین عامل توفیق برای فرزندان شماست.

از توقیع مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۷
خطاب به یکی از احباء [111]

مستخرجاتی از دستخط های بیت العدل اعظم

از جمله اهداف عمده مورد نظر محفل روحانی محلی در جریان رشد و تکامل عبارتند از : عمل به عنوان شبان اغنام الله، پیشبرد وحدت و الفت در میان احباء، هدایت فعالیت تبلیغی، صیانت امرالله تشکیل ضیافات؛ جلسات ایام محرّمه و جلسات عادی جامعه، آشنا ساختن اعضای جامعه با طرح های جاری، دعوت جامعه به ارائه پیشنهادات، پیشبرد رفاه جوانان و کودکان و مشارکت در فعالیت های انسان دوستانه، آن گونه که شرایط ایجاب نماید. محفل در رابطه خود با اعضای جامعه بهائی باید مداوماً آن ها را دعوت و تشویق به مطالعه امرالله و انتشار پیام الهی، زندگی مطابق تعالیم، مشارکت در فعالیت های جامعه و رجوع به محفل برای راهنمایی و کمک در صورت نیاز بنماید.

از دستخط مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۲
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از محافل روحانی ملی [112]

همان طور که می دانید حضرت بهاء الله می فرمایند :

" حقوق الله در واقع حکم عظیمی است. بر همه فرض و واجب است که آن را ادا نمایند. زیرا که منشاء پیشرفت، برکت و فراوانی است. این نعمتی است که در جمیع عوالم پروردگار ثروت و غنا باقی می ماند. " هر بهائی حقیقی که مفتخر به پرداخت حقوق الله می شود. به هیچ بهانه ای از این تکلیف روحانی سرباز نمی زند و برای پرداخت آن نهایت سعی خود را بکار می برد. از طرف دیگر، از آن جا که اطاعت از این حکم محکم امری وجدانی است و پرداخت حقوق امری اختیاری است جز اطلاع به دوستان... در باره این تکلیف روحانی کاری نباید و تصمیم نهائی با خود ایشان است.

همین اصل در مورد احبائی صادق است که در پرداخت هزینه های خانواده اسراف می کنند و خانه های گران قیمت می خرند یا می سازند و بیش از حد نیاز در تجهیز و تزیین آن می کوشند و در میل به اجتناب از پرداخت حقوق الله این هزینه ها را توجه می نمایند.

از دستخط مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۳
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [113]

تعلیم و تربیت اطفال به نحو صحیح کمال اهمّیت را نسبت به ترقّی و اعتلای جامعه بشریت دارد و اساس اصلی و حقیقی هر تربیت همانا پرورش روحانی و اخلاقی است. هنگام تبلیغ نفوس و هدایت آنان به حقایق امریه و چگونگی حیات بهائی قهراً با موانع و مشاکل بسیار از تعلّق شدید به شؤون مادی همچنین اوهام و تخیلات نالایقه دست به گریبانیم. در صورتی که درمورد اطفال جدید الولاده با ارواح پاک که با آسودگی های عالم نشده است مواجه می باشیم، این اطفال چون پا به رشد و نمو گذارند معرض مشکلات و امتحانات بیشمار قرار خواهند گرفت. بنابراین وظیفه ما آن است که آنان را از لحاظات اولیه زندگانی در شؤون صوری و معنوی هر دو در طریقی که حق تعالی ارائه فرموده است تربیت نمائیم تا چون به رتبه بلوغ رسند مبارزین امر الهی گردند و نمونه های شاخص و برجسته ای از ملکات و فضائل اخلاقی و روحانی در بین جامعه انسانی شوند و برای مقابله با هر نوع امتحان و آزمایش مجهّز گردند، فی الحقیقه " نجوم آسمان علم و عرفان " شوند و " میاه عذب جاریه که حیات حقیقی مردمان به تمامه بدان مربوط و معلّق است. " بیارایند.

(ترجمه)

مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی

مرکز جهانی بهائی اوت ۱۹۷۶

موسسه ملی مطبوعات امری ۱۲۵ بدیع ص ۴-۵ [114]

با توجه به این که شما و شوهرتان راجع به مشکلات خانواده با محفل روحانی تان مشورت کرده و راهنمایی نگرفته اید و نیز با یک مشاور خانواده بدون توفیق لازم صحبت کرده اید، بیت العدل اعظم می اندیشند که لازم است شما و شوهرتان توجه داشته باشید که ازدواج می تواند منشاء آسایش باشد و سبب احساس امنیت و سرور روحانی شود. در هر صورت این چیزی نیست که خود بخود اتفاق بیفتد. برای اینکه ازدواج سبب رضایت شود، مستلزم همکاری خود همسران و کمک خانواده های آن هاست.

از دستخط مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹

از طرف بیت العدل اعظم

خطاب به یکی از احباء [115]

تصویر بهائی از نقش زنان در جامعه بیهمتا است. برخلاف گرایش کنونی در کم ارزش دانستن مادری امر مبارک تأیید می کند که این کار بسیار در رشد سالم نسل جدید و از این رو در ایجاد و ابقای تمدنی دائم در حال پیشرفت بوده و دارای اهمیتی فوق العاده است. تخصیص مسئولیت اساسی تربیت کودکان به مادر ناشی از این واقعیت است که او حامل جنین است. گرایش او، دعاها و حتی آن چه می خورد و شرایط جسمانی او تأثیر بسیار بر جنین دارد....

در هر صورت، تعالیم بهائی زنان را محصور در خانه نمی داند و از آن ها نمی خواهد فقط با کارهای خانه مشغول شوند. برخی از نشانه های نقش مورد نظر دیانت بهائی درباره زنان در بیانات حضرت عبدالبهاء مطرح گردیده است که می فرمایند: " زنان باید پیشرفت کنند و در تمام جنبه های زندگی باید مأموریت شان را تحقق بخشند و با مردان برابر شوند"، هم چنین می فرمایند :

دردور بهائی، زنان دوش به دوش مردان پیش می روند. هیچ زمینه و موردی نیست که باید عقب بمانند؛ با مردان حقوق برابر دارند و در آینده، در تمام شعبه های اداره جامعه وارد خواهد شد آن قدر پیش خواهند رفت که در تمام مجهودات بالاترین سطح را در عالم انسانی اشغال خواهند کرد. مطمئن باشید به وضعیت فعلی شان نگاه نکنید. در آینده، جهان زنان درخشش بسیار خواهد داشت، چون که اراده و مقصد حضرت بهاء الله همین است.

از دستخط مورخ ۴ اوت ۱۹۹۲
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [116]

تعالیم امر مبارک درباره ضرورت توجه به تربیت فرزندان و پیشرفت حیات خانواده کاملاً روشن است. مسئله ای که به آن اشاره کرده اید وقتی پیش می آید که احباء برای کمک در پیشرفت امر مبارک در فعالیت های اداری جامعه بهائی و در کار تحکیم دستاوردهای تبلیغی با دعوت مستمر مواجه اند. مسئله این است که تصمیم بگیرند چگونه به این دعوت ها پاسخ دهند بی آن که از مسئولیت های خود نسبت به فرزندان و سایر اعضای خانواده، با توجه به محدودیت های زنان، نیرو و منابع که تمام بهائیان با آن روبه رو هستند، غفلت نمایند.

هیچ شیوه صحیح منحصر بفرد برای مواجه با این مسائل وجود ندارد، چون که شرایط افراد بسیار متفاوت است. اما روشن است که بهائیان باید در اعتدال بکوشند، که طی آن بنیان های معقول فرزندان و خانواده همراه با نیازهای جامعه بهائی رشد آن در نظر گرفته شود. هر چه خانواده رشد

کند کوششی آگاهانه باید باشد تا تمام اعضای آن در فعالیت های امر مبارک وارد شوند به طوری که کودکان خود را مسئول به حساب آورند و از درگیری والدین در آن ناراحت نشوند، این وضعیت هم از طریق تشویق و تربیت و انگیزش اعضای خانواده حاصل می شود و از راه مشورت در خانواده دوام می یابد.

از دستخط مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [117]

سئوالات شما مربوط است به موضوع اساسی تربیت بهائی کودکان، بیت العدل اعظم برای کوشش والدین بهائی در کمک به کودکان در مطالعه مداوم و منظم تعالیم بهائی، روحانی ساختن زندگی شان، و تشکیل شخصیت شان مطابق معیارهای حضرت بهاءالله نهایت اهمیت را فائند. موفقیت در تحقق این وظائف اساسی از طرف والدین خطر درگیری کودکان شان را در نیروهای مخربی که وجه شاخص نظم منحن اجتماعی است کاهش می دهد و بشارت نیازمند تجدید حیات است و محروم از الطاف اثر بخش حضرت بهاءالله است، کاهش می دهد.

از دستخط مورخ ۲ ژوئیه ۱۹۹۵
از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [118]

حفظ کودکان از تأثیرات غیر اخلاقی جامعه کنونی یکی از مسائل اساسی رویارویی والدین بهائی است. نگرانی شما راجع به تأثیر رسانه های جمعی، به خصوص برنامه های تلویزیون بر کودکان مورد توجه قرار گرفت حق با شماست همان طور که می دانید، هیچ راه عملی برای کودکان در حفظ کامل از مسائل اخلاقی اجتماعی که در آن رشد می کنند، وجود ندارد. این بر عهده والدین است که نهایت سعی شان را بنمایند تا فرزندان شان از همان اوان طفولیت تربیت روحانی بیابند. چه از طریق کلاس های بهائی زیر نظر موسسات امری و چه از طریق آموزش اخلاقی و عشق هائی که در خانه می یابند. مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی رهنمودهای مفیدی در بر دارد.

از آن جامعه که اجتناب از قرار گرفتن در معرض رفتار ناپسند برای کودکان بهائی نا ممکن است. مواجهه کودکان با این رفتارها در رسانه های جمعی و زندگی روزانه را می توان به صورت ابزاری برای هدایت و کمک به کودکان بکار برد تا اهمیت عملی و روحانی متفاوت بودن شان را درک کنند. میزان کوشش شما در کاهش رویارویی فرزند شما با چنین مواردی بستگی به قضاوت شما در سایه تعالیم بهائی دارد.

از دستخط مورخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۱
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یک زوج بهائی [119]

بیت العدل اعظم از عشق شما به حضرت بهاءالله و شوق خدمت به امر مبارک و کسب رضای ایشان فوق العاده مسرور شدند. راه های خدمت بسیار است و هر فرد، درحد امکانات و محدودیت هایش انتخاب لازم را بنماید.

فرصت های خدمت به امر مبارک لزوماً امکان خدمت به خانواده را از بین نمی برد. باید توجه کنیم هر جنبه ای از زندگی فرد عنصری از خدمت به حضرت بهاءالله را در بر دارد. محبت و احترام نسبت به والدین، ادامه تحصیلات، حفظ بهداشت و سلامت، کار و کسب، رفتار نسبت به دیگران و حفظ معیارهای عالی اخلاقی، ازدواج و پرورش فرزندان، تبلیغ امر مبارک و افزایش قوت جامعه بهائی و البته ادعیه روزانه و مطالعه آثار مبارکه است.

از دستخط مورخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [120]

در مورد این که آیا باید در ازدواج رضایت والدین را کسب کنید یا خیر، تحت شرایطی استثنائی کسب رضایت از یکی از والدین یا هر دو عملی نیست. اگر پدر مادر فوت کرده باشند، اگر دچار اختلال ذهنی شدید باشند و در نتیجه نتوانند تصمیم قانونی بگیرند، یا اگر مفقودالایر باشند، یا مسئولیت پدر مادری را از خود سلب کرده باشند، یا سوء رفتار شدید نسبت به فرزند خود داشته باشند. دو مورد اخیر شامل موارد متعددی است که معمولاً باید تک به تک به بیت العدل رجوع شود.

از دستخط مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۶
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [121]

شما نگران کاربرد این اصل (۶) در مورد تربیت کودکان و جوانان هستید و می پرسید آیا برای فرزند شما قابل قبول است که بهائی بودن را انتخاب نکند. یکی از راه های درک مفقود از تحرّی حقیقت در این زمینه این است که اجازه دهیم افراد خودشان بر مبنای جستجوی خود و اعتقاد درونی خود تصمیم بگیرند و اعتقادات پدر و مادر بر آن ها تحمیل نشود. همچنین بدان معناست که فرد بالغ باید مسئول تصمیم گیری در مورد نظام اعتقاداتی باشد که نسبت به آن ها خود را متعهد می داند. کودکانی که با آگاهی از دیانت بهائی از طریق والدین بهائی پرورش یافته اند، از نوع آموزش خود می دانند که باید این مسئولیت را خودشان بر عهده بگیرند. این نکته را در بیان مبارک حضرت ولی امرالله در توقیعی ملاحظه می کنیم که از طرف ایشان خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی نگاشته شده است:

وقتی کودک به سن رشد می رسد... باید کاملاً در انتخاب دین خود آزاد باشد. بی توجه به این که آمال و آرزوی پدر مادر چه باشد و در هر حال، کودکان نیازمند پرورش اخلاقی از همان اوایل زندگی هستند تا بتوانند حدّ اقل در تعامل اجتماعی با دیگران خوب عمل نمایند. هسته مرکزی آموزش اخلاقی را می توان در تمام آثار مذهبی یافت که و برای والدین بهائی بسیار مناسب و درحقیقت ضروری است. که به اصول خود در هدایت فرزندان شان در جهت تبدیل به انسان هائی روحانی، فروتن و سربلند در جامعه پای بند باشند. در هر صورت حضرت بهاءالله به هریک از پسران خود وظیفه تبلیغ امر مبارک را محوّل فرموده و آن را افضل اعمال دانسته اند. به این ترتیب عجیب خواهد بود اگر یک مادر بهائی آن چه را که راجع به آخرین ظهور الهی به دیگران می آموزد از فرزند خود دریغ کند. به علاوه، به پدر مادر امر فرموده اند از همان اوان طفولیت فرزندان شان را تربیت روحانی نمایند، اما به نحوی که به تعصّب جاهلیه نیانجامد.

اگر کودکان را کاملاً به حال خود رها کنیم تا راه خود را پیدا کنند آینده ای مبهم خواهند داشت، همان طور که بسیاری از جوانان جامعه امروز دچار این وضعیت دشوار هستند و ما شاهد آن هستیم، از جمله مواردی که برای آمادگی کودکان در آینده باید به آن ها القاء شود فضیلت انصاف است.

به این معنا که هرکس با چشمان خود ببیند و برای خودش ببیند که همان اهمیت تحرّی حقیقت است. بدون نوعی پرورش یا جهت گیری کسی نمیتواند حقیقت را تحرّی کند. این مطلب در مورد یک دانشمند هم صادق است که بدون نوعی پرورش نمی تواند آماده کشف حقیقت مادی شود. نگرش آزاد امر مبارک نسبت به یادگیری باید اطمینان شما را احبائی که توانائی پرورش اذعان جستجوگر را دارند تشویق کند. هر چه آن ها تعالیم الهی را مطالعه نمایند این توانائی بیشتر بیدار می شود و افزایش می یابد.

از دستخط موخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷
مرقومه از طرف بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احباء [122]

پشت جلد

در این امر حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد، روحانیت و سرور باشد، اتحاد و اتفاق باشد، موافقت جسمانی و عقلانی باشد، خانه منظم و مرتب باشد، افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت و ستاره های روشن سماء باشد، چون دو مرغ بر شاخسار های شجر وحدت و یگانگی بسرایند، همیشه پر فرح و سرور باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند، برای دیگران سر مشق باشند، برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند، اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتهاار آن عائله گردد.

هدیه ازدواج
مؤسسه ملی مطبوعات امری
۱۲۵ بدیع

پشت جلد